

څارنوال

مؤلف: محمد احرار "احراز"
مشاور حقوقي نوي کابل بانک



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

1945

مشخصات کتاب :

نام کتاب : خاد نوال

مؤلف : محمد احرار " احرار " مشاور حقوقی نوی کابل بانک.

چاپ : اول

تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

کمپیوتر و دیزاین : احمد طارق

تاریخ : عقرب ۱۳۹۰

مقدمه :

تأسیس اداره لوی خارنوالی به منظور پاسخ گوئی به نیاز های جامعه بوده. از وقتیکه تأثیر زور و قدرت در حل اختلافات ضعیف شد ، اداره بررسی جرایم جنائی به میان آمد. از زمانیکه حکومت قانون در جوامع مستقر گردید و برای رفع اختلافات قاضی و محکمه به میان آمد وجود خارنوال ، مدعی العموم ، وکیل اثبات جرم ، وکیل پادشاه در پروسه عدالت جنائی امر لازمی و حتمی دانسته شد. اگر قبول کنیم که وکیل مدافع و خارنوال دو بال فرشته عدالت هستند، قاضی در بین این دو بال نیروی به حرکت آورنده این بال ها است. خارنوال ، وکیل مدافع و قاضی هر سه برای رسیدن به یک هدف که

صفحه	موضوع	ردیف
۴-۱	مقدمه	۱
۷-۵	خارنوالی، تاریخچه، صلاحیت ها و وظایف	۲
۶	سبک رسیدگی اتهامی	۳
۶	سبک رسیدگی تفتیشی	۴
۱۵-۷	سبک رسیدگی اتهامی	۵
۱۷-۱۶	وظایف و صلاحیت های خارنوال	۶
۲۴-۱۸	اهمیت کاری خارنوال	۷
۲۸-۲۵	مشکلات خارنوال	۸
۳۰-۲۹	کار خارنوال	۹
۳۲-۳۱	زاویه دید خارنوال	۱۰
۳۳-۳۲	لباس و آراستگی ظاهری	۱۱
۳۴-۳۳	زبانی	۱۲
۳۵-۳۴	علم و آگاهی	۱۳
۳۸-۳۵	خارنوالی هم علم است و هم هنر	۱۴
۴۰-۳۹	سخنوری	۱۵
۴۲-۴۱	نوسینده گی	۱۶
۴۳	مدیریت زمان	۱۷
۴۸-۴۴	رفتار خارنوال با مظنون و یا متهم	۱۸
۴۹	رفتار خارنوال با مجتبی علیه و وابسته گان او	۱۹
۵۲-۴۹	حفظ اسرار دوسیه جزائی	۲۰
۵۳	رفتار خارنوال با پولیس و سایر مراجع امنیتی	۲۱
۶۴-۵۶	خارنوال و اهل خبره	۲۲
۸۰-۶۵	خارنوال و وکیل مدافع	۲۳
۸۷-۸۱	خارنوال و محکمه	۲۴
۹۸-۸۸	تکلیف خارنوال در طرح دعوی در محکمه	۲۵
۱۰۱-۹۸	مسئولیت جزائی و مدنی خارنوال	۲۶
۱۰۹-۱۰۲	مسئولیت جزائی خارنوال	۲۷
۱۱۴-۱۱۰	مسئولیت مدنی خارنوال	۲۸
۱۱۷-۱۱۵	مسئولیت اجتماعی خارنوال	۲۹
۱۳۰-۱۱۸	نتیجه	۳۰

تأمین عدالت جنائی است تلاش می نمایند و در تأمین عدالت و احراز حقیقت می کوشند.

با استقرار نظام قانون ، تحقیق جرایم جنائی از طرف نماینده دولت آغاز گردید. تحقیق که یک عملیه منظم است که در طی پروسه آن پاسخ های برای سوال های مورد نظر و مطروحه دریافت می گردد و نتیجه مشخص از آن حاصل میگردد. بعد از استقرار نظام قانون بوسیله نماینده دولت صورت گرفته که این نماینده در لباس پولیس ، محتسب ، مفتی ، نماینده استخبارات ، خارنوال و مؤظف خدمات عامه تجسم کرده است ، همواره تحقیق یک عملیه و حتی ابزاری بوده جهت تأمین عدالت و در نهایت جهت ارضا و میل حس عدالت خواهی بشر و بعضاً هم تسکین احساسات برانگیخته مجنی علیه و یا بعضاً ورثه او و سایر افراد اجتماع و در نهایت جهت تأمین عدالت جنائی. اما تأمین عدالت جنائی اگر از یک طرف به قانون علانہ ، تجهیزات پیشرفته جهت کشف حقایق و رسیدن از مجهول به معلوم ، دفاتر منظم و وسایط کاری ضرورت دارد. از طرف دیگر کدر های صادق ، لایق ، ورزیده ، ماهر با تجربه و دلسوز را با یک هماهنگی میطلبد. تا با استفاده از وسایل و

تجهیزات پیشرفته و همکاری ادارات کشف ، تحقیق ، تعقیب ، و کالت دفاع و محکمه عدالت برقرار ، داد مظلوم از ظالم گرفته و مجرم به کیفر قانونی برسد.

موجودیت خارنوال و اداره خارنوالی در پهلوی ادارات پولیس ، و کالت دفاع و محکمه یک واقعیت عینی و غیر قابل انکار در جامعه متمدن و دموکراتیک امروزی و جهان امروزی است. جهان امروزی این واقعیت را پذیرفته است که دیگر نمیتوان به لزوم خارنوال و اداره خارنوالی در یک جامعه مدنی تردید کرد. بناً تا وقتیکه انسان به مرحله نهائی تربیه و تقوا نرسیده است و تا وقتیکه حس تجاوز و انتقام جوئی در انسان وجود دارد و تا وقتیکه انسان از انسان دیگر یعنی از همنوع خود تشویش تجاوز به جان و مال و ناموس خود دارد وجود دستگاه حراست حقوق چون پولیس ، امنیت ملی ، خارنوالی ، وکیل مدافع و محکمه هم ضروریست تا با تشخیص مجرم و تحمیل مجازات بر وی زجر جهت اصلاح حال به خودش و عبرت به دیگران گردد. در این اثر اهمیت خارنوال در پروسه عدالت جنائی ، کار و اجرا آتی را که وی در پروسه تحقیق و تعقیب انجام میدهد و زحماتی را که متحمل

میشود با کلمات و جملات مقبول توضیح شده. در بخش اول تاریخچه اداره لوی خارنوالی در جهان و کشور ما و در بخش دوم اهمیت خارنوال در پروسه عدالت جنائی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

موجودیت خارنوال و اداره خارنوالی واقعیت غیر قابل انکار در جامعه امروزی است. جهان امروزی این واقعیت را پذیرفته است که دیگر نمیتوان به لزوم خارنوال در یک جامعه مدنی تردید کرد. اما برعکس آن اگر جامعه و دولت به خارنوال نیاز دارد باید دولت این الزام را داشته باشد که زنده گی او را به صورت واقعی تأمین ، اباته و اعاشه نماید. چه حرفه خارنوالی مایه غرور و مباحات است چرا که یک پایه مستحکم عدالت جنائی بوده در نبود وی عدالت جریحه دار گردیده و عمارت آن متزلزل میگردد.

بخش اول

خارنوال ، تاریخچه ، صلاحیت ها و وظایف آن

فصل اول

تاریخچه خارنوالی در جهان و کشور ما :

اداره بررسی و خارنوالی برای بار اول در قرن (۱۴ میلادی) در کشور فرانسه French به میان آمده اما بعضی از حقوقدانان عقیده دارند که این اداره قبل از قرن (۱۴) در شهر روم Rom به میان آمده است که بنام وکیل پادشاه یاد میشود. در ابتدا مرتکبین جرایم ارتداد از دین مسیحیت و جرایم خیانت به اموال دولت را به خارنوالی جهت تحقیق و تعقیب می سپردند. اما بعداً این اداره انکشاف کرد در قرن (۱۶) تقریباً حیثیت خارنوالی امروزی را در اروپا کسب کرد. اصلاً نحوه تثبیت مسئولیت مجرم یعنی نحوه و شکل اجراءات در باره تثبیت وقوع جرم ، اثبات نسبت این جرم به متهم و نحوه تحقیق و محاکمه که بنام اصول محاکمات جزائی یاد میشود در طول تاریخ متفاوت بوده است. تقریباً سه سبک رسیده گی جزائی در طور تاریخ مشاهده شده است:

۱- سبک رسیده گی اتهامی و سوابق تاریخی آن : این نوع رسیده گی قبل از تشکیل حکومتات مطلقه وجود داشت و قدیمی ترین سبک رسیده گی در امور جزائی همین سبک اتهامی است. در این سبک دعوی جزائی بین دو طرف

یعنی زیان دیده مجنی علیه و مرتکب جرم بدون مداخله حکومت یا دولت ها در محکمه جریان پیدا میکرد. مجنی علیه و یا ورثه قانونی وی شخصاً در صدد تعقیب مجرم بر آمده و با دلایلی که جمع آوری نموده مجازات مرتکب را از محکمه تقاضا مینمود. متهم با حقوق مساوی با مجنی علیه در دعوی در محکمه حاضر میشد و از خود دفاع میکرد. طرفین دعوی دارای حقوق کاملاً مساوی بودند و قاضی فقط به دلایل طرفین رسیده گی و بعداً حکم مینمود. نحوه رسیده گی شفاهی غیر کتبی بود. قاضی در کشف جرم و جمع آوری ادله نقش فعالی نداشت. نقش عمده را اصحاب دعوی داشتند. اقرار مهمترین دلیل و بعد از آن شهادت شهود و سوگند و نکول بود. این نوع رسیده گی با نفوذ قواعد دینی در دولت ها یعنی بعد از دوره انتقام گیری خصوصی بمیان آمده و با به میان آمدن حکومت مطلقه تدریجاً از بین رفت.

۲- سبک رسیده گی تفتیشی یا تحقیقی و سوابق تاریخی آن : این نوع سیستم رسیده گی بر دعوی جزائی با به میان آمدن حکومت مطلقه و قرار گفتن شاه مطلق العنان در رأس حکومت یا دولت ها که پابند هیچ نوع قانون خود را نمیدانستند و با برچیده شدن نفوذ کلیسا را از دولت و مجزا شدن دین را از سیاست بوجود آمد. برعکس سیستم اتهامی که حق دفاع متهم به بهترین وجه تأمین میشد. در سبک رسیده گی تفتیشی و تحقیقی ، حق دفاع متهم به حداقل تنزیل داده شد و منافع اجتماع بیشتر حفظ میگردد. در این سبک مامورین دولتی بدون اینکه منتظر شکایت شاکی یا اعلام جرم از طرف

مدعی خصوصی شوند، خود راساً وظیفه تحقیق و تعقیب را به عهده گرفته و متهم را تعقیب قضائی مینمودند. نحوه رسیده گی آن غیر علنی اما کتبی بود.

هر قدر که قدرت دولت ها گسترش یافت، سیستم اتهامی جای خود را به سیستم تفتیشی و تحقیقی گذاشت. دانشمندان ریشه و اصل این سبک را به دوران امپراطوری روم نسبت میدهند.^۱ در آن زمان برای تعقیب جرایمی که بوسیله برده گان و یا مجرمین طبقات پائین انجام می یافت این سبک رسیده گی معمول شده بود. مامورین دولتی بدون شکایت مجنی علیه ، راساً به تحقیق و تعقیب متهمین می پرداختند، در قرون وسطی سبک مذکور شامل جرایم مذهبی و ارتداد از قبیل برگشت از دین مسیحیت و بدعت در دین شد و پاپ اینوسان سوم آنرا قبول کرد و سپس انجمن مذهبی لاتران (Concile De Latran) آنرا قبول کرد. در این سیستم متهم حق دفاع را نداشت و از دلایل مندرج دوسیه آگاهی نداشت تا برای خود دفاعیه ترتیب مینمود ، راساً از توقیف و زندان او را به محاکمه می بردند، محاکمه غیر علنی بود.

۲- سبک رسیده گی مختلط :

در سیستم اتهامی حق دفاع متهم کاملاً محفوظ بود اما دفاع اجتماع و حق صیانت عموم جامعه دچار اختلال میگردد. در سیستم تفتیشی یا تحقیقی دفاع جامعه تأمین میشد. اما حق دفاع متهم دچار مخاطره میگردد. به همین

^۱ - حقوق جزائی عمومی جلد اول مؤلف مرتضی محسنی.

علت سبک خاص دیگری در رسیده گی جزائی به وجود آمد که بعد ها به سیستم مختلط مشهور گردید. باین ترتیب که قسمتی از تشریفات پروسه جزائی یعنی تحقیق و بررسی قبل از محاکمه توسط نماینده دولت تابع سیستم تفتیشی و قسمت دیگر بررسی جزائی یعنی قسمت محاکمه و حکم قاضی تابع سبک اتهامی قرار گرفت. محاکمه علنی بوده و متهم حق دفاع و حق تعیین وکیل مدافع را دارا میباشد. اما نمونه کاملی از سیستم که چه مقدار از سیستم اتهامی و چه مقدار از سیستم تفتیشی در آن وجود داشته باشد به طور مشخص موجود نیست. در واقع مقنن هر کشور سعی کرده که با توجه به وضع خاص کشور خویش بخش کم یا زیاد از این دو سیستم را انتخاب نموده و با ترکیب آنها سبک پروسه جزائی مملکت خود را پایه گذاری نماید. اما چون در همه این سیستم ها نمونه ای از سبک رسیده گی اتهامی و تفتیشی وجود دارد لهذا آنرا سیستم مختلط نامیده اند.

در کشور ما به قول تاریخ هرسه نوع سیستم اجراءات جزائی مورد تجربه و تطبیق قرار گرفته است. از زمان قبل از اسلام یعنی از زمان حکومت کابل شاهان و قبل از آن کدام سند قابل اعتبار در این باره در دست نیست (اگر سندی وجود داشته باشد نگارنده این اثر، آنرا دست یاب نتوانسته است) اما به قول عزیز الدین وکیلی پوپلزائی درانی مؤرخ شهیر کشور که در کتابش بنام دارالقضا در افغانستان در صفحه ۴۵ مینگارد: «محاکم شرعیه در افغانستان مطابق به حکم قرآن کریم از همان آغاز یعنی پرتو اصول قرآن کریم در افغانستان (دوره خلیفه سوم حضرت عثمان رض) ایجاد شده و بعداً با ظهور

حضرت امام ابوحنیفه کوفی و علم فقه اسلامی مطابق اصول آن مذهب قضات محاکم این بلاد اسلامی افغان عمل کرده اند.» باین ترتیب از زمان نفوذ دین مبین اسلام در کشور ما سیستم یا سبک رسیده گی اتهامی رایج داشت، چه در دین اسلام قضاوت توسط محکمه شرعیه صورت می‌گرفت و در زمان حضرت عمر فاروق^(رض) قضا از حکومت جدا شد.

نامه حضرت عمر فاروق^(رض) به ابو موسی اشعری خطوط اساسی وظیفه قضا و استقلال آن را تعیین کرد.^(۲) در سیستم قضائی اسلامی شاکی راساً به قاضی مراجعه میکرد و قاضی بعد از استماع دلایل هر دو طرف فیصله خویش را صادر مینمود. این وضع تا وقتی ادامه داشت که تسلط اعراب از کشور ما بر چیده شد و قیام ها بر علیه سلطه اعراب شروع شد. ابو مسلم خراسانی و طاهر فوشنجی و یعقوب لیث صفاری قیام ها را رهبری کردند و حکومت طاهریان و بعداً صفاریان به میان آمد. با ایجاد حکومت مطلقه اراده پادشاه و والی های آن هم قانون بود وهم تعیین کننده جزا باین ترتیب سبک اتهامی از بین رفت و جای آن سبک تفتیشی و تحقیقی مسلط شد.

نویسنده کتاب دار القضا در افغانستان در صفحه ۷۴ کتابش مینویسد: «شیرشاه سوری یکی از قهرمانان ملی افغانستان بود (۹۴۷ هجری قمری) موصوف در محکمه عدالت، خویش و بیگانه را در یک نظر میدید و میگفت نزد من در عدالت، فرزندانم و رعیت برابر است. او در تشکیل محکمه عدالت

^۱ - متن نامه حضرت عمر فاروق (رض) به ابو موسی اشعری در مقدمه جلد اول قواعد مجله الحکام نشر شده است.

سعی و توجه فراوان داشت ، مرد عادل و متشرع بود. جداً مخالف ظلم بود، همواره از زندان دیدن میکرد و عرض مظلوم را می شنید.» نویسنده در صفحه ۸۰ همین کتاب خویش مینگارد : «کردار های ذاتی احمد شاه ابدالی عاری از صفات خود پرستی بود مرد عادل و گاه گاهی از زندان بررسی میکرد و داد خواهی مینمود.» همین نویسنده در صفحه ۱۱۴ کتاب خویش مینگارد: «علیحضرت احمدشاه وقتیکه فیصله آخرین در مسایل قضائی را که از طرف دارالقضا دیوان اعلی صادر میشد آنرا مطالعه میفرمود و در آن مهر مینمود. در مهرش این عبارت حک بود «مقابله محکمه شاهنشاهی شد» فیصله را انفاذ می بخشید و این رسوم در دارالقضا تا دوره امیر حبیب الله خان باقی ماند.»

پوپلزائی درانی در صفحه ۸۴ کتاب خویش فرمان اعلیحضرت احمد شا بابا را نقل میکند (هرکس از حق بینان و خیر اندیشان در زمره علما و فضلا که در دولت افغانی به منصب شرعیه سر افراز گردد نظر به فرمان خدا(ج) و رسول(ص) عمل نموده بدون اغماض و چشم پوشی در محکمه عدالت ، بین فقیر و امیر تجاوز نه نموده...).

میر غلام محمد غبار مؤرخ شهیر دیگر کشور ما در کتابش (افغانستان در مسیر تاریخ) دوره سلطنت غزنوی را به بررسی گرفته در صفحه ۱۱۵ آن مینگارد : (در دوره سلطان محمود غزنوی فقها مورد احترام قرار میگرفت و سهیم در امور دولت بودند به وظیفه قضا گماشته میشدند و به سفارت ها در خارج مامور می شدند. در امور مهم طرف مشوره دولت قرار میگرفتند و به امر

سلطان محمود از زندان ها دیدن مینمودند و عرض و داد مردم را به شاه ارایه میکردند.)

نویسنده کتاب افغانستان در مسیر تاریخ در صفحه ۶۲۵ کتابش از دوره امیر عبدالرحمن خان یاد کرده ، می افزاید : (علاوه بر زندان های متعدد پایتخت و ولایات سیاه چال های کابل و هرات با اقسام شکنجه کشور را به طور بی سابقه ای زیر کابوس وحشت قرار داده بود. بندی وان ها در مورد بندی های خود آزادی بی سرحد داشتند و جرم فرد به خانواده و حتی رفقاییش سرایت مینمود. این سیستم استنطاق و شکنجه تا جایی اسباب آزار و اذیت متهمین گردیده بود که به گناهان ناکرده اعتراف میکردند تا بدون شکنجه و سهولت یک باره گی کشته شوند. از شکنجه طاقت فرسا نجات یابند.)

همین نویسنده در صفحه ۷۹۵ کتاب افغانستان در مسیر تاریخ می افزاید: (دولت امانیه برای تدویر امور کشور وضع و اجرای قوانین مختلف را مورد اجرا قرار داد..... و چندین قانون به شمول نظامنامه توقیف خانه ها و حبس خانه و نظامنامه جزای امانیه و غیره را تدوین نمود. شاه امان الله از آغاز سلطنت خود با روشنفکران افغانی از در صحبت داخل شد او تمام محبوسین سیاسی و مشروطه خواهان را از زندان پدر آزاد ساخت.)

از فحوای اقوال مؤرخین استنباط شده میتواند که در دوره اول تسلط اسلام در کشور ما سبک بررسی اتهامی رایج بود، شاکی راساً به محکمه مراجعه میکرد و قاضی متهم را احضار و فیصله مینمود و قبل از فیصله از هر دو طرف سوال و جواب مینمود. اما در طور اقتدار سلاطین و پادشاهان مطلق العنان در

کشور ما سبک بررسی تفتیشی در پروسه جزائی مسلط بود چه از نوشته محترم غبار که تحریر داشته : (جرم فرد به خانواده و حتی رفقاییش سرایت مینمود.) استنباط میگردد که کاملاً دولت موضوع کشف ، تحقیق و تعقیب را به عهده داشته و اجراءات مینمود.

در زمان اعلیحضرت نادرشاه نیز وضع به همین منوال بود. دولت در کشف ، تحقیق و تعقیب متهم از طریق کاتب جزا ، سرکاتب جزا و ولسوال ها اقدامات مینمود. ولسوال ها وظیفه اثبات جرم را به عهده داشت ، دوسیه جزائی به امضاً ولسوال به محکمه جهت فیصله ارایه میگردد.

در اوایل سلطنت محمدظاهر هم سبک تفتیشی مسلط بود حتی به اساس اظهار یک تعداد محاسن سفیدان که شاه محمود خان صدراعظم تام الاختیار دوره اول سلطنت محمدظاهر شاه بعضاً خودش ریاست تحقیق را به عهده میگرفت و متهم را در حضور خود مطالبه میکرد... و جواب میگرفت. در این هنگام قضاً مستقل نبود تابع حکومت دانسته شده بود، حتی بعضاً وزیر داخله بحیث وزیر عدلیه که قضاً در تشکیل وزارت عدلیه بود ، اجرای وظیفه میکرد. (سید عبدالله چندین سال وزیر داخله و وزیر عدلیه بود.)

تحقیق جرایم و وظیفوی مامورین در مرکز هر ولایت و درمرکز هر وزارت توسط مدعی العموم صورت می گرفت که در تشکیل هر ولایت و هر وزارت وجود داشت مدعی العموم وظیفه تعقیب متهم جرایم و وظیفوی مامورین را نیز به عهده داشت.

به موجب قانون اساسی نافذ ۹ میزان ۱۳۴۳ خاصاً ماده (۱۰۳) قانون مذکور، خارنوالی بنام مدعی العموم رسماً ایجاد شد که وظیفه تحقیق جرایم را دارا بوده و بعداً قانون خارنوالی در سال ۱۳۴۴ نافذ گردید. گرچه این قانون مواد محدود داشت جمعاً (۱۴) ماده را حاوی بود. که این قانون بر علاوه وظیفه تحقیق جرایم، وظیفه تعقیب متهم را نیز به خارنوالی موکول کرده بود. مطابق قانون اجراءات جزائی که در دوره انتقال یعنی قبل از تشکیل شورای ملی در سال ۱۳۴۳ به فرمان تقنینی پادشاه وقت نافذ گردیده بود و وظیفه تحقیق به هیأت ضبط قضائی سپرده شد که خارنوال و پولیس هر دو را شامل بود. اما بعداً که در سال ۱۳۵۲ به تعداد (۱۴۴) ماده این قانون مورد تعدیل قرار گرفت. به موجب ماده اول قانون اجراءات جزائی تعقیب و اقامه دعوی تنها از صلاحیت خارنوالی بوده، دیگران نمیتوانند آن را تعقیب و اقامه نمایند، مگر در حالتیکه قانون تصریح کرده باشد. ماده دوم این قانون تصریح کرده که لوی خارنوال شخصاً و یا توسط یکی از اعضای خارنوالی، به اقامه دعوی جزائی اقدام میکند و آن را طبق قانون تعقیب میکند. بعداً که در سال ۱۳۵۲ به تعداد ۱۴۴ مواد بخش اول این قانون مورد تعدیل قرار گرفت این پرنسیب ماده اول و دوم دست نخورده باقی ماند. اما در ماده نهم همین قانون به مدعی حق العبد یا مدعی خصوصی هم در بعضی حالات صلاحیت اقامه و تعقیب دعوی جزائی داده شده است. چنانچه ماده مذکور تصریح کرده: (مدعی حق العبد میتواند در مورد جنحه و قباحت خودش مستقیماً علیه متهم در محکمه با صلاحیت اقامه دعوی نماید مگر اینکه دعوی متوجه مامور یا مستخدم دولت یا یکی از مامورین ضبط قضائی بوده و از جرمی نشأت کرده باشد که در

اثنای اجرای وظیفه یا به سبب آن از طرف او ارتکاب گردیده باشد.) این ماده نیز در پروسه تعدیل ۱۴۴ مواد این قانون تغییر نخورده به حال خود باقی مانده است. اما در این قانون صلاحیت های خارنوال منحیث هیأت ضبط قضائی در بخش تحقیق جرایم مشخص گردید. همچنان خارنوال صلاحیت های در بخش رهائی مؤقت متهم ، تعقیب متهم در محکمه ، بررسی فیصله های محاکم تحتانی و صورت اعتراض و یا قناعت به آن و سایر صلاحیت هارا در بخش تدقیق و تطبیق فیصله های جزائی محاکم کسب نمود. قانون اساسی نافذ سال ۱۳۵۵ بخصوص ماده (۱۰۶) آن کشف را به صلاحیت پولیس و تحقیق و تعقیب متهم را در محکمه از صلاحیت و وظیفه خارنوال دانست و آن را جز قوه اجرائیه اعلام کرد. اما بعداً با کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ این قانون اساسی فاقد اعتبار اعلان گردید و بعداً قانون کشف و تحقیق جرایم و نظارت خارنوال بر قانونیت تطبیق آن در سال ۱۳۵۸ نافذ گردید که تحقیق جرایم علیه امنیت عامه را به صلاحیت خارنوال و جرایم علیه اشخاص را به صلاحیت پولیس و جرایم علیه امنیت دولت را به صلاحیت اداره استخبارات موکول کرد.

قانون اساسی سال ۱۳۶۶ پهنای جدیدی را در صلاحیت ها و وظایف خارنوال گشود و آن اینکه ماده (۱۲۰) همین قانون صلاحیت نظارت بر تطبیق یک سان قانون را به خارنوالی موکول نمود. همین ماده توضیح کرد که صلاحیت و تشکیل خارنوالی طبق قانون تنظیم میگردد که بعداً قانون تشکیل و صلاحیت خارنوالی نافذ سال ۱۳۷۰ وظیفه نظارت ، تحقیق و تعقیب را به خارنوال

واگذار کرد و ادارهٔ استخبارات صلاحیت تحقیق جرایم سیاسی و جرایم علیه دولت را کمافی السابق عهده دار بود. در قانون نافذ سال ۱۳۷۹ دورهٔ طالبان خارنوالی جز تشکیل وزارت عدلیه دانسته شد و وزیر عدلیه سمت لوی خارنوال را هم به خود گرفت.

بلاخره به موجب مادهٔ ۱۳۴ قانون اساسی سال ۱۳۸۲ که فعلاً نافذ و مرعی الاجراً است خارنوالی کمافی السابق صلاحیت تحقیق جرایم و تعقیب متهم را دارا میباشد. خارنوالی در کشور ما به نام های مختلف یاد شده چون خصم شریف (یعنی کسیکه در خصومت خود با مظنون و متهم از حدود قانون و شرع تجاوز نمیکنند) مدعی حق الله (یعنی کسیکه به نماینده گی از حقوق الله و حقوق اجتماع یا دولت دعوی می نماید) وکیل دعوی (یعنی کسیکه قانوناً وکالت دعوی را به نماینده گی از دولت در مسایل جزائی حایز است) مدعی العموم (یعنی کسیکه از طرف عموم یعنی همه اجتماع که ارگان عمده دولت است ادغامینماید) وکیل پادشاه (یعنی کسیکه از طرف امیر یا پادشاه یا رئیس جمهور برایش وکالت داده شده تا موضوع جزائی را تحقیق و تعقیب نماید) وکیل اثبات جرم (یعنی کسیکه وظیفه دارد با ارایه دلایل و قراین در اثبات جرم با قاضی همکاری نماید) درنهایت گفته میتوانیم که بعد از سال ۱۳۴۳ در کشور ما در پروسه اصول محاکمات جزائی سبک مختلط پیروی شده است و تا حال ادامه دارد.

فصل دوم

وظایف و صلاحیت های خارنوالی :

وظایف و صلاحیت های خارنوالی در کشور ما در طول موجودیت آن طوریکه قبلاً تذکر یافت ، در حال نوسان بوده گاهی تنها وظیفه تعقیب متهم را به محکمه و بررسی فیصله های جزائی محاکم تحتانی و صورت قناعت و اعتراض بر آن را داشته و زمانی هم در پهلوی این وظیفه ، وظیفه تحقیق تمام جرایم و یک مدت هم وظیفه تحقیق بعضی جرایم یعنی جرایم علیه امنیت و منفعت عامه را داشته و بلاخره در طول حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان علاوه بر دو وظیفه فوق الذکر صلاحیت و وظیفه نظارت از تطبیق یک سان قانون و اتخاذ تدابیر جهت جلوگیری از وقوع جرم ، تحکیم قانونیت ، دفاع از حقوق سیاسی و آزادی اتباع ، دفاع از حقوق و منافع قانونی ادارات دولتی و مختلط ، ارایه پیشنهاد جهت وضع ، تعدیل و لغو قانون به شورای ملی نیز به خارنوالی موکول گردیده بود. خارنوالی بر علاوه وظایف و صلاحیت های فوق صلاحیت انتصاب اتهام به شخص حقیقی یا حکمی را طبق احکام قانون ، نظارت و توقیف مظنون و متهم ، امتناع از انتصاب اتهام خلاف قانون و غیر مدلل به شخص حقیقی و حکمی ، جلوگیری از محدودیت های غیر قانونی بر حقوق آنها ، جلوگیری از سلب آزادی ، گرفتاری ، نظارت ، حجز ، توقیف غیر قانونی شخص ، رعایت احکام قانون در تحریک و تعقیب دعوی جزائی ، جمع آوری دلایل کافی الزام یا برائت مظنون و متهم ، حفظ دوسیه جزائی ، انصراف از تعقیب در صورت عدم وقوع جرم یا نبودن دلایل کافی الزام ، اشتراک در

جلسات قضائی محاکم ذیصلاح ، ارزیابی فیصله ها و تصمیم جزائی محاکم تحتانی و آرایه اعتراض بر آن به محکمه فوقانی را نیز کسب نمود. اشتراک لوی څارنوال در جلسات شورای عالی ستره محکمه نیز در جمله صلاحیت ها و وظایف قانونی اداره څارنوالی در آمد.

بخش دوم

اهمیت کاری خارنوال :

کار خارنوالی کار بسیار پر اضطراب است خارنوال به مسابقه دهنده ای می ماند که هم در برابر مظنون و متهم و هم در برابر مجنی علیه و یا ورثه او احساس هیجان به او دست میدهد و هم در حالاتیکه در پروسه تحقیق به نتیجه واقعی رسیده نتواند یعنی نتیجه ای را که از لحاظ عدالت انتظار آن را دارد فشار روحی شدیدی به او وارد میشود.

از بدو کار ، خارنوال در وظیفه با مسایلی مواجه میشود که به هیچ وجه در دوران تحصیل در پوهنتون ها و یا دوره کار آموزی و ستاژ در مخیله خود تصور هم نمیتوانست این مسایل در هر پروژه جزائی با دیگر کاملاً متفاوت است و از یکدیگر فرق قابل ملاحظه دارد.

آموزش حقوقی و شرعی در پوهنتون ها برای خارنوال لازم است اما برای حرفه خارنوالی کافی نیست در این حرفه هم نگاه شخص باید وسیع باشد و هم علم و دانش و تجربه او از وسعت بر خوردار باشد یک استاد پوهنتون ها حقوق اگر راساً بدون دوره کار آموزی یا ستاژ بحیث خارنوال مقرر شود در اول نسبت نبود تجربه کاری به مشکلات زیاد مواجه میشود. در پوهنتون ها کلیات و مبانی تدریس میشود اما شخص در حرفه خارنوالی و در کار خارنوال شامل جزئیات موضوع میشود به نکات مبهم و نکات مهم و حساس قوانین متوجه میشود.

ځارنوال ممکن است از شدت کار افسرده شود همیشه یا در حال فکر کردن و یا در طرح سوال است و یا در حال نوشتن و بعضاً هم گفتگوی شفاهی با شهود ، اهل خبره ، مظنون و متهم ، مجنی علیه و وابسته گان او یا بعضاً هم رایه گزارش به مقامات محلی و مرکزی و مراجع نظارتی و بررسی کننده و ارزیابی کننده ، تمام این مسایل بر اضطراب ځارنوال می افزاید از یک طرف در مقابل اداره و آمرین ذیصلاح اش مسئول و از طرف دیگر مراقب اعتبار و حیثیت اداره ځارنوالی و مهم تر از آن مراقب اجرای عدالت و قانونیت و در نهایت تحت تأثیر وجدان است. بعضاً هم تهدیداتی را از جانب وابسته گان مظنون و متهم و ندرتاً از جانب مجنی علیه و یا وابسته گان او دریافت میدارد که اضطراب او را بیشتر می نماید. در مواردی توقع مجنی علیه و یا وابسته گان او بیش از حد است عده ای زیادی از آنان از قوانین کشور آگاهی ندارند برخی تصور میکنند که صرف با دادن اطلاعیه ، مظنون یا متهم باید فوراً به جزایش برسد. چرا پروسه بزرگ و طویل تحقیق و تعقیب و اقامه دعوی باید طی شود. ندرتاً ځارنوال به احساسات اجتماع که از وقوع جرم مثلاً قتل توأم با جرم دیگر و یا مثله نمودن مقتول و یا قطاع الطریقی و سرقت مسلحانه سخت بر انگیخته شده است ، نیز مواجه میشود. اکثراً دیده شده که مردم محل با شنیدن و یا دیدن یک جرم سنگین به حکومت و یا ځارنوالی بر ناحق و بدون موجب دشنام داده اند تا این احساسات بر انگیخته شده مردم تسکین میشود معمولاً ځارنوال مورد ملامتی شدید این گروه که احساسات شان به شور آمده قرار دارد.

بسیاری اوقات دیده شده که مردم احساساتی به طور آنی مجازات فاعل جرم را مطالبه می نمایند در حالیکه پروسه تحقیق کاملاً طویل و پیچیده و حتی بعضاً بیروکراتیک است. از استماع شهادت شهود گرفته که اکثراً دیده شده شاهدان به جلب های متواتر هم حاضر نمیشوند تا ارسال یک موضوع جهت ابراز نظر به اهل خبره ، مطالبه معلومات از ادارات ثبت اسناد چون اداره ثبت جواز، اداره ثبت لایسنس و جواز سیر ، اداره ثبت وثایق و ده ها اداره دیگر همه این اجراءات زمان گیر است که وقت کافی و زمان کاری خارنوال را می گیرد اما مردم احساسات بر انگیخته شده از جرم ، از خارنوال می طلبد که معجزه نماید و به اسرع وقت فاعل را مجازات نماید.

بعضاً مردمیکه جرم را در حال اجرا دیده اند در حالات التوای قانونی دوسیه شک مینمایند که شاید خارنوال در موضوع تطمیع شده باشد که واقعه جرمی را ملتوی ساخته به اثر این اعتراضات بی مورد خارنوال متاثر می گردد.

اصولاً جان ، مال ، ناموس و اسرار مردم در دست پولیس ، خارنوال وقاضی است که خارنوال بین این سه گروه نقش دقیق تر بدوش دارد. خارنوال باید حافظ حقوق و اسرار طرفین دعوی باشد.

خارنوال در اقامه حق و اجرای عدالت جنائی مؤثر ترین مؤلف دولت و نظارت کننده دقیق عدالت در پروسه کشف ، تحقیق ، تعقیب و محاکمه بوده و عدالت جنائی را پاسداری می نماید. متأسفانه بعضاً خارنوال بی عدالتی های تحمل ناپذیری را از سوی برخی مراجع کشفی ، تحقیق ، تعقیب و محاکمه

می بیند در این حالت دچار افسردگی و اندوه میگردد. به گونه ایکه بعضاً اقسام بیماری های روحی و عصبی بر وی عارض می گردد این بدترین و دشوار ترین حالت های است که روح خرنوال را می آزارد.

خرنوال در کاری که انجام میدهد باید به نوعی خلاقیت داشته باشد کار او با دیگر کار ها و حرفه ها کاملاً متفاوت است کار خرنوال به صورت مداوم و بدون تغییر تا انتها یعنی مرحله ختم تنفیذ مجازات و اصلاح حال محکوم ادامه دارد.

هر سوال خرنوال و هر صفحه اقامه دعوی او یک خلاقیت حقوقی است که خرنوال مؤجد و مؤلد آن است. هر سوال و هر صفحه اقامه دعوی خرنوال، یک سنگ است که تهداب بزرگ عدالت جنائی بروی آن استوار میگردد.

خرنوال در پروسه جزائی باید یک مسأله را حل نماید و برای آن راه حل بیابد راه حل و فصل آنرا در یابد و آن تطبیق قانون بالای مظنون و متهم نظارت از تأمین عدالت در پروسه دعوی جزائی است اما بعضاً امکان حل و پایان یک قضیه از لحاظ مدارک مادی جرم و یا موانع قانونی وجود ندارد. مثلاً یا فاعل جرم نا معلوم و یا اینکه مظنون فرار است و یا اینکه فاعل جرم طوری زیرکانه جرم را مرتکب شده که از خود هیچ مدارک نگذاشته است اما لازم است فعالیت و همت خرنوال در طول زمان انجام وظیفه به صورت مستمر و طولانی توأم با دقت و توجه بیشتر با حوصله مندی بیشتر بدور از هر گونه اشتباه باید صورت گیرد. تا عدالت جنائی آشکار و تأمین گردد.

خارنوال هر واژه نوشته خود را در جای آن قرار میدهد با دقت عمل و تحریر می نماید و زمانیکه جریان و روند دعوی جزائی در پروسه تحقیق و یا تعقیب به درازا میکشاند او مجبور است خود را هم چنان در موضوع مصروف سازد و روح و روان خود را به آن آمیخته کند اما ضمناً مجبور است به موازات قانونی از لحاظ مدت محدود زمانی تحقیق، محدودیت زمانی تعقیب و محدودیت زمانی اعتراض بر حکم محکمه خود را متعهد ساخته و آنرا در نظر گیرد و در آن اهمال نکند. یعنی وضعیت و حالت متفاوت بودن وظیفه خارنوالی شغل و حرفه خارنوال را از دیگر حرفه ها متمایز میسازد.

خستگی خارنوال یک خستگی ناشی از کار عادی نیست که با یک ساعت استراحت و یا نوشیدن یک پیاله چای و قهوه و یا شربت رفع شود او در حقیقت خود را استهلاک مینماید تا به عدالت برسد و راه قانونی حل و فصل یک دعوی جزائی را دریابد این مسایل موجب فشار روحی و اضطراب خاطر او میگردد و حتی وقتیکه به دنبال رسیدن به واقعیت و حقیقت در یک دوسیه جزائی است قطعاً نمیتواند بی احساس و بی تفاوت به آن باشد. اصلاً روح و روان خارنوال از دست و چشم و گوش و دهان او بیشتر کار مینماید.

خارنوال در مقام یک مدعی مترصد است که ناظر همه عواقب دوسیه جزائی است و بعضاً در مقام اثبات یک جرم و به کرسی نشاندن واقعیت ارتکاب جرم است و ارتکاب آنرا به مظنون یا متهم نسبت میدهد و بعضاً در محکمه جهت دفع و تکذیب گفته های متهم و یا وکیل مدافع پخته کار او قرار دارد.

خارنوال پیوسته میکوشد آنچه را که فکر میکند و تراوش فکری خویش را به محکمه تقدیم کرده است آنرا به محکمه بقبولاند و محکمه را به قانونی بودن ادعای خود قناعت دهد. او به یک مسابقه دهنده ای می ماند که در هیجان برنده شدن خود در تلاش میباشد او ضمن اینکه میخواهد در مسابقه برنده شود در قاموس خود نیز نباید مایوسیت و ناامیدی را راه دهد همین پرنسیب کار شغلی او موجب ایجاد قدرتی در او میشود که با عزم تر و مصمم تر به ادامه وظیفه بپردازد. خارنوال به فردی می ماند که سال های سال در مسابقه شرکت دارد و هیجانات مستمر ناشی از مسابقه او را به یک فرد خسته از لحاظ روحی تبدیل میکند. اما خارنوال بدون در نظر داشت این خستگی باید برای ایجاد یک وضعیت مطلوب و ابداع حالت مناسب و تنظیم دقیق پروسه تحقیق و اتهامنامه و صورت دعوی پیوسته در یک حالت تفکر، تلاش نماید. چه این پروسه مستمر است و خلاص شدنی نیست و اگر بعضاً اتفاق می افتد که خارنوال در آخرین لحظه ئی از دعوی جزائی به چرت و فکر می افتد نباید به تعلل و تسامح او تعبیر شود زیرا بعضاً او در حسرت نوشتن چیز نو یا دلیل نو روزهای را دانسته و عمداً در تفکر و چرت سپری میکند.

خارنوال انسانی است که باید خوب فکر کند و خوب بنویسد، خوب و به موقع سوال را مطرح کند و دوسیه جزائیی را در یک وضعیت مطلوب مدیریت کند. و باید در صدد تلاش و فراهم آوردن وضعیتی و مرحله ای باشد که مورد پسند و قناعت و پذیرش سه دسته از قضات محاکم اعم از ابتدائیه، استیناف

و تمیز باشد. شغل او و کار او به منزله و به مثابه یک آزمون در پیشگاه روزگار و دوران می ماند.

خارنوال علاوه بر داشتن دانش عالی حقوقی و شرعی و مهارت ها و تخصص مربوط به شغل خود ، باید دارای اخلاق کریم باشد خارنوالی شغلی است که رعایت نکردن قواعد و قیودات اخلاقی به اعتبار و حیثیت او لطمه وارد مینماید. هرچند بسیاری از مشاغل چنین نیستند. مثلاً یک کارگر اگر در راه عام یا محفل عام چیزی را بخورد و یا ساجق بجود از نظر حرفه وی کدام لطمه به او وارد نمیشود اما اگر یک خارنوال یا یک قاضی به چنین عملی اقدام کند از نظر اخلاق عمومی جامعه و قدسیت حرفه و شغل شان ، مذموم است.

پس اگر قبول نمایم که حرفه خارنوالی یک قدسیت دارد پس لوازم و ضروریات آن شایستگی ، خلق کریم ، تقوا ، انسانیت و آگاهی از دانش علمی و حقوقی است و اگر باور داشته باشیم که شرافت و صداقت و اعتدال از اجزای دیگر این حرفه است، فقدان هر یک این اصول ، شأن خارنوال را لکه دار میسازد. در نهایت چیزیکه دانش خارنوال و حتی شخصیت خارنوال را میآراید راستی و صداقت است که صداقت مظهر عدالت است. خارنوال باید به توانائی علمی خود در موضوعی که نظارت ، تحقیق ، ترتیب اتهامنامه ، ترتیب صورت دعوی ، دفع دعوی و یا اعتراض مینماید اطمینان داشته باشد. در صورت ناکافی بودن معلوماتش در موضوع مورد بررسی ، موضوع را به امر خود اطلاع

دهد چه اگر به اثر عدم معلومات علمی و آگاهی حقوقی خارنوال به عدالت زیان رسد ، عامل این جریحه دارشدن عدالت همین خارنوال است.

مشکلات خارنوال :

آزادی نعمت بزرگ است همینکه انسان در شغل خود احساس آزادی کند امتیاز نسبی برایش میتواند محسوب گردد وابستگی خارنوال به خارنوال مافوق و در نهایت به دولت، پابندی به قوانین و مقررات و حاضری ، اطاعت از دستورات مقامات بالائی دولت ، مداخله شورای های ولایتی و نماینده گان مردم در مجلسین ولسی جرگه و مشرانو جرگه رهبران جهادی و قوماندانان، در امور خارنوالی چالش های است که در اجراءات کاری خارنوال و حتی در مسایل شخصی وی میتواند وجود داشته باشد و بعضاً روح وی را آزار دهد. گاهی اطاعت از دستور مافوق و یا اشخاص با نفوذ محلی و شورا های محلی و پارلمان آنهم که دستور آنها در مطابقت با قانون نباشد گوهر انسان را مخدوش و آدمی را وادار به انجام کاری می نماید که به خلاف میل باطنی و ندای وجدان وی باشد که متأسفانه خارنوال و خارنوالی به این معضله دچار است.

محدودیت آزادی دیگر خارنوالی این است که آغاز و انجام کار وی در اختیار و اراده اش نیست نمیتواند پلان کاری صدفیصد منظم داشته باشد. هر لحظه ~~یکه~~ ~~مراجعه~~ کشف اوراق واقعه جنائی را به خارنوالی ارجاع نمود خارنوال ناگزیر است به اسرع وقت در باره سرنوشت مضمون تصمیم بیگیرد و یا هم قبل از آن در صورت لزوم به محل واقعه جرم و محل گرفتاری برود. آغاز و انجام دقیق تابع قیودات زمانی است. اقامه دعوی جزائی هم شامل زمان معین است که خارنوال ناگزیر به رعایت زمانی آن میباشد. ماده (۳۶) قانون اجراءات جزائی مؤقت.

محکمه خود روز و تاریخ و ساعت جلسه قضائی را پلان میکند و از خارنوال مطالبه میکند که در وقت معینه برای ارایه صورت دعوی اش حاضر شود. خلاصه اینکه زمان در کنترل و اختیار خارنوال نه بلکه خارنوال در گرو زمان قرار دارد و ناچار است با زمان خود را عیار سازد. بناً آزادی وی محدودیت های را حاوی است. اما برعکس حریف پخته مغز و پخته کار خارنوال یعنی وکیل مدافع از آزادی کافی برخوردار است خودش امر خود است. تابع حاضری و قیودات اداری نیست، میتواند پلان کاری هفته وار خویش را خودش

تنظیم و اوقات ملاقات با مؤکل ، شهود و سایر ملاقات های ضروری را تنظیم نماید. صرف رفتن به جلسه قضائی که آنهم با اطلاع چند روز قبل با در جریان قرار دادن وکیل مدافع تعیین میشود دیگر وکیل مدافع پابند کدام قیودات زمانی نیست رفتن به دفتر دارالوکاله و پذیرش مراجعین به اداره ، تعیین زمان کار به عهده خودش میباشد. وکیل میتواند از پذیرفتن یک دعوی امتناع ورزد. اما برعکس خائنوال نمیتواند از پذیرفتن یک عارض یا شاکی که از محل دورتر جهت عدالت خواهی آمده است امتناع ورزد و یا از تحقیق یک موضوع صرف نظر نماید. بناً وکیل مدافع در یک آرامش روحی و روانی آرام و آسوده گی خاطر قرار دارد. وکیل مدافع میتواند تصمیم بگیرد و پلان کند که چه روز های در دفتر کارش باشد یا نباشد. بناً تنظیم اوقات کار بدست وکیل مدافع است او با برنامه ریزی خوب میتواند اوقات و ایام خود را برای کار ، تفریح و مطالعه تنظیم نماید وکیل مدافع از کسی رخصت نمی گیرد زمان در اختیار وکیل مدافع قرار دارد و میتواند از آن بهترین استفاده را نماید. اما خائنوال در همه این مسایل تابع قیودات اداری ، قانونی و زمانی است و با

پابندی به قوانین و مقررات ، حاضری و اوامر مافوق از این نعمت که آزادی کاری است ، محروم مییاشد.

مشکل دیگر خارنوال این است که بعضاً نسبت محدودیت های تجهیزات علمی مخصوصاً وسایل کریمنال تخنیک و طب عدلی و یا محدودیت های قانونی و یا هم نفوذ مقامات و یا هم نبودن تسهیلات کافی نمیتواند در یک دوسیه جزائی به حقیقت و واقعیت برسد نا چار نسبت این محدودیت ها تصمیمی اخذ می نماید که خلاف اراده باطنی وی و خلاف وجدان وی و خلاف عدالت باشد اما ظاهراً مخالف با قانون نباشد و حالاتیکه کوشش هایش به ثمر نمی رسد یک مجرم از پنجه قانون رها و یا بر عکس یک بیگناه به طرف زندان میروند. این حالات روح خارنوال یا وجدان او را می آزارد و سخت او را خورد و خمیر میسازد. اما برعکس وکیل مدافع پس از احقاق حق مؤکل خود و یا آزادی وی از توقیف و زندان به هر طوریکه صورت گرفته احساس لذت و خوشی مینماید و این احساس ، خستگی را از تن او دور میکند.

کار خارنوال :

کار خارنوال کار عملی و تحقیقی علمی است هر موضوع و هر واقعه و دعوی جزائی یک صفحه تحقیق علمی است. جهت تحقیق و تعقیب یک موضوع خارنوال ناچار است قوانین را سر از نو مطالعه و ماده قانون مرتبط با موضوع را جستجو کند اگر به آن قانع نشد لامحال به کتاب های حقوقی و شرعی که به شرح قوانین پرداخته مراجعه کند. حتی بعضاً برای بررسی بیشتر موضوع با همکاران و دوستان با تجربه خویش مشوره مینماید و خوشبختانه زمانیکه از طریق کاوش های قانونی برای حل معضله قانونی در دوسیه جزائی به نتیجه مثبتی میرسد احساس خوشایندی باو دست میدهد و او را از نظر وجدانی قانع میسازد و او را راحت میسازد حالانکه این ویژه گی های راحت بخش در بسیاری از مشاغل وجود ندارد.

خارنوالی شغلی است که برای مجرب شدن نیاز به زمان دارد. در اثر مرور زمان و اجرای کار های متواتر در بخش های نظارت ، تحقیق و تعقیب بر تجربه های خارنوال افزوده میشود. حرفه خارنوال نیاز به هوشمندی و توجه دقیق دارد. تجربه در خارنوالی بیشتر از مشاغل دیگر اهمیت دارد. خارنوالی که دارای

تجربه بیشتر و اطلاعات جامع تر و کامل تر باشد موفق تر و پیروز تر خواهد بود. مهمتر اینکه خارنوال باید بداند که چه کلمه و اصطلاح را در کجا و چگونه و در چه قالبی اطلاعات و معلومات خود را مورد استفاده و بهره برداری قرار دهد.

چون هر صفحه تحقیق جزائی یک تحقیق علمی است بناً خارنوال دایماً در حال تفکر و تحقیق علمی راجع به موضوعات مختلف است لذا روز به روز به اندوخته های علمی وی خصوصاً در باره مسایل جزائی و اجتماعی و فلسفی افزوده میشود زیرا کار او یک نواخت و یک بعدی نیست هر صفحه تحقیق از دیگرش متفاوت است و هر دوسیه جزائی با دوسیه دیگر آن تفاوت قابل ملاحظه دارد. بناً خارنوال با مسایل مختلفی سرو کار دارد این است که آشنائی با مسایل علمی مختلف و کوشش ها برای دریافت راه حل برای مسایل مختلف جزائی خارنوال را در عرصه گوناگون هوشیار ، آگاه و آبدیده میسازد که این آگاهی دارای ارزش زیاد است و میتواند خارنوال را در جامعه به عنوان یک نخبه اجتماعی قلمداد نماید. هر چند فساد اداری سبب شده است که به ذرایع گوناگون ارزش اجتماعی خارنوال در جامعه کاهش یابد.

زاویه دید خرنوال :

زاویه دید و یا جریان سیال ذهن و یا انتخاب نقش برای خرنوال بسیار مهم است زاویه دید خرنوال به خرنوال فرمان می‌دهد که بر اساس مصالح اجتماع و حکم قانون رفتار نماید. مجنی علیه و یا وابستگان او چشم به دروازه خرنوالی دوخته اند و خواهان عدالت می‌باشند. خرنوال در ختم تحقیق داستانی را مینویسد که این داستان یا قرار انصراف از دعوی است و یا اتهام‌نامه که خواننده این داستان با بسیار علاقه و اشتیاق قاضی است. زاویه دید خرنوال در این داستان وی انعکاس یافته و نگاه درونی وی و بعضاً هم نگاه بیرونی وی خواسته یا نا خواسته در آن منعکس شده ، سوژه و زاویه دید خرنوال در این داستان عدالت جنائی است.

زاویه دید خرنوال و یا جریان سیالیت ذهن وی باید وسیع باشد. مثلاً حالاتیکه مظنون سزوار رهائی به ضمانت سر و یا ضمانت بالمال است خرنوال باید بدون کدام تمطع به رهائی وی اقدام نماید اما حالاتیکه ارتکاب بعضی جرایم سیر صعودی خود را بپیماید و جامعه از ارتکاب آن در تشویش و مشکل مواجه باشد مثلاً حوادث ترافیکی و یا سرقت های کوچک و کیسه بری و یا فریب کاری و شراب نوشی که رو به ازدیاد باشد خرنوال نباید به نام حقوق مظنون یا متهم به رهائی وی اقدام نماید چه در این صورت به دیگران

جرئت و شجاعت ارتکاب همین جرم را میدهد که جامعه از ارتکاب آن به داد رسیده.

هماهنگی کامل شخصیت خارنوال با قانون و خواست جامعه از جمله مشخصات یک خارنوال است خارنوال چون بازیگر فلم نیست که به تبع و خواست پرودیسور و یا متصدی فلم نقش بازی کند. هرگاه نقش خارنوال منطبق به شخصیت واقعی و حقیقی وی و مطابق خواست جامعه و قانون نباشد او یک بازی خنده آور و مبتذل را پیش می برد که به شأن او سازگار نبوده سبب دون شأن او میگردد.

لباس و آراستگی ظاهر :

یکی از خصایص مهمی که نمیتوان از آن بی تفاوت گذشت ، طرز پوشیدن لباس خارنوال است ، ضرب المثلی است که میگویند: « ظاهر نشان دهندهٔ باطن است» آراستگی ظاهری خارنوال نشانه ای از نظم اوست استفاده از لباس مناسب چه در دفتر و چه در خارج دفتر و محکمه موقف خارنوال را به وجه شایسته افزایش میدهد. پاک و تمیز بودن لباس و هماهنگی در نوعیت و رنگ آن موهبت خارنوال را ارتقا می دهد. رعایت وقار و ابهت در رفتار و گفتار و احتراز از شوخی و مزاح و هرزه گوئی و حرکات سبک و ناشایسته خاصتاً در

مراجع قضائی و یا در محضر متهمین و وکیل مدافع از ضروریاتی است که باید
 خارنوال آن را در خور شأن خود داشته باشد.

رعایت حداکثر ادب در قبال محکمه و قضات و مسئولین قضائی و همکذا امتناع
 از خضوع و خشوع بی مورد و فروتنی بی اندازه که ممکن است بعضاً به
 چاپلوسی تعبیر شود باید از جمله خصایص خارنوال باشد.

سخن گفتن خارنوال باید در خورشان او باشد غیر مؤدبانه سخن گفتن و الفاظ
 رکیک یا بسیار عامیانه به کار بردن، از خارنوال قابل پذیرفتنی نیست.

زیبائی :

منظور از زیبائی در همه ابعاد میباشد، زیبائی سر و صورت و لباس (اما نه
 آرایش مصنوعی) زیبائی در آواز و تون صدا، زیبائی در رسم الحط، بیان زیبا
 و سایر آن همه و همه لازمه خارنوال است اگر زیبائی با نیکوئی و دانائی و
 صداقت تلفیق داده شود خارنوال را در اجتماع برازنده میسازد.

خلاقیت :

اصولاً هر کس در پیشه خود باید خلاق باشد . یک نویسنده ، نقاش ، آهنگ ساز ، معمار ، آواز خوان ، سراینده موسیقی همه و همه باید خلاق باشند. خارنوال نیز باید خلاق باشد در نقطه ای که هست نباید توقف نماید، همیشه به سوی پیشرفت و بالنده گی باشد. اصلاً استنتاج خارنوال از عملیه و پروسه تحقیق یک خلاقیت است. تحقیق هر قضیه جرمی از دیگر آن متفاوت و متغیر است آنچه که خارنوال از یک موضوع مجهول با تحقیق و زحمات زیاد، خود را به معلوم میرساند این نتیجه معلوم خود یک خلاقیت و آفرینش خارنوال است که خارنوال مؤلد و موجد آن است هر اتهامنامه و هر صورت دعوی ، یک فرآورده و آفرینش خارنوال است که قبلاً چنین سابقه نداشته است.

علم و آگاهی :

خارنوال باید دائماً در حال مطالعه و تتبع باشد و معلومات و اطلاعات خود را تقویت کند سپس با استفاده از همان اطلاعات و معلومات با بکار گیری آن در عمل برازنده گی خود را ثابت نماید، خارنوال باید به قوانین مسلط باشد با

هوشمندی و خلاقیت خود ، یک دوسیه جزائی را مدیریت کند ، یک پروسه تحقیق و یا نظارت به مواظبت و خبر گیری نیاز دارد تا از مسیر قانونی خود خارج نشود ، آگاهی از قانون بر خارنوال مطلقاً ضروریست ، برای عامه مردم آگاهی نداشتن از قانون معذرت تلقی نمیشود اما برای خارنوال آگاهی نداشتن از قانون اهمال در وظیفه و خیانت به عدالت بوده عیب کلی میباشد.

خارنوالی هم علم است و هم هنر :

علم عبارت از معرفت و ادراک پدیده ها ، حقایق و علل پدیده ها و اشیا از طریق عقل است و هنر یا فن عبارت از فعالیت و برداشت های شخصی و ارایه فعالیت به طور زیبا و مطلوب با استفاده از نیروی تخیل تجربه و تمرین.

خارنوالی علم است به خاطریکه خارنوال برای کشف حقیقت از مجهول مطلق به معلوم قابل قبول و احقاق حق ، از طریق مطالعه قوانین و علوم حقوقی و شرعی مجاهدت می نماید. و در این راه از علوم حقوق ، شرعیت ، جامعه شناسی ، جرم شناسی ، جرم یابی ، کریمنالستیک ، منطق و فلسفه و سایر علوم استفاده می نماید. و هم چنان این رشته یا وظیفه هنر هم است. چه هر

پهنه کشف و صفحه تحقیق، سوالات و تحلیل جوابات مظنون یا متهم، استماع شهادت شهود و تحلیل آن، ارزیابی نظر اهل خبره و سایر صفحات تحقیق از یک دوسیه تا دوسیه دیگر و از یک ترتیب صورت دعوی تا صورت دعوی دیگر از یک دفع در مقابل متهم و یا وکیل مدافع آن تا دیگر متهم و یا وکیل مدافع آن متفاوت است هر کدام این مسایل هنر تازه را میطلبد که خارنوال ناگزیر است این هنر ها را در این پروسه ها صرف کند تا بتواند یک نتیجه مطلوب و ظریف و زیبا که عدالت جنائی است بدست آورد. لازم است تا خارنوال هنرهای تازه اش را در این پروسه صرف کند تا یک موضوع مجهول را به حد یقین برای محکمه آنهم محاکم ثلاثه برساند. در حرفه خارنوالی هر دوسیه و هر موضوع جزائی یک جزئی است که این جز خارنوال را به سوی قواعد کلی میکشاند و در موارد مشابه از آن قواعد کلی راه حل هر موضوع را به صورت استقرائی بدست می آورد.

خارنوالی مانند سایر شغل ها نیاز به آگاهی و آشنائی با تجربه و مهارت دارد. اما مهارت های فنی و هنری خارنوال با مهارت های قضاوت و قضات متفاوت است. جنبه فنی کار خارنوالی به کیفیت دانش علوم جزائی بیشتر نیاز دارد در

حالی که مهارت قضاوت وسیع تر از آن است و شامل مسایل حقوق مدنی ، اقتصادی ، فامیلی ، بانکی ، صنعتی ، ملکیت معنوی ، مالی ، ترانسپورتی و مسایل قراردادی ، کشتی رانی و ده ها مسایل دیگر میباشد. خازنوالی باین دلیل هم هنر گفته میشود که خازنوال باید بداند که در کجا و چه گونه و در چه قالبی اطلاعات و معلومات خود را مورد استفاده و بهره برداری قرار دهد. بعضی مسایل خازنوالی قابل آموختن و فراگرفتن به شکل دروسی هم نیست. مثلاً اینکه چه چیز آموخته شده را در کجا و کدام مطلب را در کجا گفت باید چه مطلب را در کجا نوشت چه موقعیتی از نوشتن یک مطلب خود داری کرد. هزاران هزار این مسایل که در اشکال گوناگون با ویژه گی های مختلفی که هر کدام وضع و شکل و حالت و موقعیت خاص خود را دارد مطلبی است که اساساً قابل آموختن نیست اگر دقیق تر بگویم هر دوسیه جزائی خاصیت و کیفیت مخصوص خود را دارد که از دیگر دوسیه های جزائی جدا است و هر مظنون و متهم خاصیت و خصوصیت های خود را دارد که از دیگر مظنونین و متهمین جدا هستند. سوال از آنها متفاوت و جواب شان متفاوت است هر جلسه قضائی شکل به خصوص خود را دارد که به هیچ وجه جزئیات سوال و

جواب ها قابل پیش بینی نیست تا بتوان در مورد آن حتی یک فرمول را ایجاد کرد. همه این ها ، هنر تازه را بکار دارد. همچنان خارنوالی ، نویسنده گی ، سخنوری ، فصاحت ، بلاغت را میطلبد که همه این مسایل میتواند در قالب هنر مجسم شود تا علم، بناً خارنوالی هنر است. چه کار خارنوال مبنی بر تجربه است اصلاً تجربه مبنی بر خطا و درستی است. یک موضوع آنقدر آزمایش میشود که تا درستی آن به اثبات برسد. استفاده از تجربه دیگران یعنی استفاده از کار درست دیگران ، روانشناسان میگوید ادراک انسان جهت ثبت و ضبط یک موضوع در حافظه به درجات مختلف قرار دارد. ده در صد ثبت در حافظه از طریق شنیدن، بیست در صد از طریق دیدن ، سی درصد از طریق دیدن و شنیدن ، پنجاه در صد از طریق شنیدن و گفتن ، هشتاد درصد از طریق شنیدن ، دیدن و گفتن و نود در صد از طریق عمل کردن.

بناً خارنوال با اجرای تحقیق و عمل کردن در پروسه جزائی میتواند (۹۰) در صد آگاهی را در حافظه ثبت و ضبط کند.

سخنوری :

آنچه که برای یک خارنوال بسیار ضروری است سخنوری است اصلاً این برتری آن چنان با مسلک خارنوالی همراه و قرین است که بدون آن نمیشود از وظیفه خارنوالی نتیجه مطلوب گرفت. این هنر یا فن در کار خارنوالی ارج و اهمیت بخصوص دارد. خارنوال میتواند با استفاده از فن سخنوری خود ، مظنون یا متهم را تحت تأثیر عاطفی و یا تحت تأثیر عدالت قرار دهد و بدون کدام اکره مادی یا اکره معنوی او را وادار به گفتن حقیقت نماید و به آسانترین وسیله به نتیجه مطلوب برسد. باید قدرت سخنوری و بیان خارنوال به حدی باشد که برای شنونده حق و عدالت را مجسم نماید و طوری سخن پردازی نماید که شنونده صحنه جرم را می بیند یعنی اینکه به سخن خود صحنه جرم را احیا کند و با نیروی بیان آنرا مجسم سازد طوری که شنونده (مظنون، متهم ، شهود مجنی علیه و غیره) خود را در آن صحنه احساس کنند.

یکی از لوازم سخنوری داشتن حنجره رسا است ، صدای رسا و قوی لازمه خارنوال است. استدلال قوی و منطقی با صدای خفیف یا خراب چندان مناسب نیست بالعکس استدلال ضعیف و غیر مؤجه و غیر منطقی با صدای

رسا و قوی هم نا پسند است ولی اگر سخن و دفاع قوی و مدلل با صدای رسا و گیرا توأم باشد بسیار دلنشین و زیباست.

حنجره انسان اساساً ثروت و عطیه خدا داد است که باید به نحوه شایسته استفاده شود حنجره قوی وسیله خوبی برای سخنوری است اما حنجره ضعیف را هم میتوان با تمرین و فریاد کشیدن های بلند و چیغ زدن ها تقویت کرد. سخنوری با حنجره خوب تأثیر ناک است. سخنوری فنی است که برای اثبات مقاصد و نفوذ در دیگران و تحت تأثیر قراردادن دیگران مخصوصاً مظنون و متهم و کسانی که به نحوی از انحا در دعوی جزائی شمول میشوند و حتی قضات محاکم از آن استفاده کرد. خارنوال با سخنوری میتواند مطلوبه خود را به طور زیبا و رسا به شنونده، وکیل مدافع، هیأت قضائی، ژورنالیستان و سایر اشخاص ذیدخل در دعوی جزائی انتقال دهد.

خارنوال در سخنوری باید فصاحت و بلاغت را رعایت کند. سخن روان و بی عیب و دور از کاستی و با در نظر گرفتن موقعیت مخاطب و وضع شنونده ایراد نماید اگر مخاطب قاضی و یا وکیل مدافع در جلسه قضائی است خارنوال باید اصطلاحات را در جایش استعمال نماید و اجزای کلمات را در جایش قرار دهد

اما اگر مخاطب یک مظنون یا متهم بی سواد است باید ساده و روان صحبت نماید و اصطلاحات مغلق را تحلیل کرده سخن گوید.

نویسنده گی :

نویسنده گی رکن اساسی کار ژارنوال را تشکیل میدهد خوب نوشتن از هنر های است که نه تنها هر کس در زنده گی به آن سرو کار دارد بلکه بسیار به آن نیاز دارد. باید این تصور را که خوب نوشتن مستلزم استعداد خاص است از سر دور کرد البته (نویسنده شدن) و اندیشه های بزرگ و جاویدانه عرضه کردن تا حدی مولود استعداد ذاتی است که فقط در افراد خاص میتوان یافت ولی مهارت در نوشتن در آن حد که برای نیاز های اداری و زنده گی لازم است آن چنانکه گروهی پنداشته اند دشوار نیست. هرکس با کمی کوشش و مجاهدت خواهد توانست مفاهیم ذهنی و مقاصد باطنی و قلبی خویش را به آسانی بروی کاغذ آورد. آنانیکه از دشواری نوشتن سخن میگویند باید دید که تا چه حد برای فراگیری آن کوشیده اند اینک ژارنوال در ختم تحقیقات نتواند معنویات روانی و تصمیم باطنی خویش را ارا نه نوشته به شکل مرغوب به مراجع قضائی ، مردم ، مطبوعات انتقال دهد ، ژارنوال ناکام است.

در نوشتن، یک موضوعی که برای خارنوال بسیار مهم است انتخاب اصطلاحات که آن باید دقیق در جایش تحریر شود. نوشته باید ساده، روان اما با معنی و با به کار گیری اصطلاحات علمی حقوقی باشد.

پارچه تحریری خارنوال باید فصیح یعنی روان و دور از عیب و کاستی و همچنان بلیغ، رساننده معنی و به مقتضای حال و احوال باشد رعایت بسیاری از نکات ظریف میتواند نوشته را برکشد و متباز بسازد هر نوشته خارنوال باید رسا باشد به گونه ای که خیلی راحت مقصود و منظور و نیت او را به خواننده منتقل کند.

مطلب نوشته باید نه چندان مشروح و مفصل باشد که برای خواننده ملال خاطر آورد و نه چندان فشرده و مختصر باشد که از رسانیدن مقصود باز ماند. نوشته خارنوال اعم از اتهامنامه و صورت دعوی باید دارای جاذبه و کشش باشد که خواننده را از همان نخستین نظرها با خود درگیر سازد و خواننده تا اخیر نتواند سز از نوشته بردارد. پیچیده عرضه کردن نوشته، بیان مطلب را دشوار میسازد خلاصه اینکه نوشته خارنوال باید در کمترین کلمات و الفاظ مقصود وی را روشن بیان نماید صورت دعوی خارنوال باید طوری تحریر شود که

واقعه جرمی را برای خواننده تمثیل کند به طوریکه خواننده یا شنونده خود را عملاً در همان واقعه احساس کند.

مدیریت زمان :

یکی از کارهای خارنوال مدیریت زمان است خارنوال وقتی میتواند وقت و زمان را تحت کنترل خود درآورد که با پلان و تقسیم اوقات به کارها اقدام کند میزان تحت کنترل در آوردن کارها و فعالیت بستگی به این دارد که تا چه حد میتوان اجرای بعضی کارهای غیر ضروری را توقف و به عوض آن وقت بیشتر را صرف کدام فعائیت های مهم دیگر کند ، کدام کار را در اولویت قرار دهد که واقعاً میتواند عدالت جنائی را خوبتر تأمین کند. خارنوال پلان تحقیق را شامل زمان بندی استماع اظهارات مجنی علیه ، شهود محل واقعه ، تحقیق از مظنون ، مطالبه نظر اهل خبره ، احضار پولیس و یا هیأت تفتیش ادارات ، جهت توضیحات مزید از واقعه جرمی ، ارزیابی نظر هیأت کشف و سایر مسایل ضروری تنظیم مینماید و طبق پلان و زمان بندی به اجرای یکا یک آن اقدام مینماید. خارنوال به روز معینه به محکمه حضور میرساند و جهت ارایه دعوی خویش و یا دفاع در مقابل اعتراض متهم و یا وکیل مدافع

وی مطابق پلان عمل مینماید. خلاصه اینکه خارنوال همیشه طبق تقسیم اوقات و پلان کاری قبلاً تهیه شده عمل مینماید اما حالات خاصی که فوراً تحقیقات را در اوراق واصله واقعه جدید که از هیأت کشف مواصلت نموده ، ایجاب می نماید استثنأ میتواند آنرا خارج پلان انجام دهد.

رفتار خارنوال با مظنون و یا متهم :

طبعی است که مظنون یا متهم خود را در محضر خارنوال یا محکمه جزائی می یابد میکوشد تا با اسناد و دلایلی که ارایه میدارد خود را بیگناه وانمود کند. انسان ها از لحاظ سرشت و طبیعت خود طوری هستند که مضرات و خطرات را از خود دفع می نمایند و منافع را برای خود جلب میکنند و آنچه را به سود خود میدانند به آن علاقه مند میشوند. انسان ها طبیعتاً از جزا و عذاب گریزان اند و میخواهند به یک شکلی از اشکال خود را از آن نجات دهند. بناً هر کس در قبال یک موضوعی که اظهار آن بزبان اوست با دو انگیزه رو برو ست. یکی راستگوئی که به هدایت تعلیمات دینی ، اخلاقی و ندای وجدان میباشد و دیگری خود داری از حرف راست و حقیقت و یا هم به صراحت دروغگوئی که توسط آن میخواهد مؤقتاً در دنیا خود را نجات دهد.

غریزه رهایی از عذاب و بند و نجات از مرگ در وجود هر انسان است ، هیچ انسان نمی خواهد دست بسته به عذاب و یا مرگ تسلیم شود. مثلاً یک انسان در حالت مریضی شدید است که نمیتواند از جا برخیزد ، دفعتاً وقتیکه زلزله میشود فوراً در تلاش فرار از بستر میشود و میخواهد خود را از زیر سقف دور کند در حالیکه توان برخاستن را نداشت ، تنها غریزه زنده ماندن او را وادار به فرار از بستر و رفتن به محل دور از سقف میسازد. البته صرف در حالاتیکه احساساتش بر تعقلش غالب میشود ندرتاً به عذاب یا مرگ تن میدهد و دست به خود کشی میزند که این حالات بسیار استثنائی است. بناً دروغ گفتن ها و انکار مظنون غریزه انسانی اوست که میخواهد با دروغ گفتن خود را از مجازات خلاص نماید. بناً خارنوال باید به گفتار مظنون شک نماید. اما انسان های هم هستند که تحت تأثیر ایمان قوی وجدان سالم حقایق را بازگو مینمایند و در راه حقیقت و راست گوئی از عذاب و مرگ نمی ترسند.

خارنوال باید در اولین برخورد با مظنون مطابق ماده (۷۸) تعدیل قانون اجراءات جزائی هویت وی را ثبت و ظن یا تهمتی که باو نسبت داده شده برایش ابلاغ نماید بعداً مطابق ماده (۱۸) قانون اجراءات جزائی مؤقت و ماده

(۳۱) قانون اساسی برایش حق گرفتن وکیل مدافع را ابلاغ و هکذا برایش تفهیم نماید که مطابق ماده (۵) قانون اجراءات جزائی مؤقت حق سکوت را دارا میباشد.

خارنوال مکلف است حقوق بشری مظنون و متهم را رعایت و از اکراه مادی و معنوی و شکنجه که مطابق ماده (۲۹۱) قانون جزا جرم است، خود داری نماید. رفتن خارنوال به نزد مظنون یا متهم در منزل و یا محل کارش جهت تحقیق سبب نزول شأن خارنوال است تحقیق باید در محل معینه تحقیق انجام شود اما حالاتیکه طبق ماده نهم قانون تشکیل و صلاحیت محاکم خاص نافذة سال ۱۳۸۹ تحقیق از وزرا و یا مقامات عالی دولتی رئیس و عضو ستره محکمه مطرح باشد تحقیق از مظنون در محل مناسب خارج از خارنوالی مانعی ندارد. خارنوال نباید در محافل خارج از خارنوالی با مظنون و متهم صحبت را گرم بگیرد و یا از مسایل دوسیه و تحقیق با وی صحبت نماید در صورت ناگزیری میتواند با یک سلام و احوال پرسی اکتفا نماید.

صحبت تیلیفونی خارنوال با مظنون و متهم باید در حدود مسایل رسمی تحقیق و یا تعقیب باشد و کاملاً گفتگوهای تیلیفونی در محدوده اجراءات رسمی

باشد. خارنوال از پذیرفتن دعوت مظنون و متهم باید خود داری نماید ولو اینکه دوستی و آشنائی قبل از پروسه تحقیق با هم داشته باشند.

خارنوال نباید در حضور مظنون و متهم از وضع بد اقتصادی خود از نازل بودن معاش و یا سطح معیشتی خود و یا قیمتی در بازار حرف بزند چه در شرایط امروزی همه این حرف ها مقدمه ای بر مطالبه رشوت تلقی شده ، نشود که متهم یا مظنون آنرا علاقه خارنوال به رشوت استنباط نماید.

خارنوال نباید با مظنون و متهم با خشونت و خشم رفتار نماید چه از یک طرف واقعه مبهم است هنوز ثابت نیست از طرف دیگر نشود به اثر این خشونت متهم و مظنون برای خارنوال که یک خصم شریف است به یک خصم واقعی تبدیل شود و در صورت رهائی از پروسه جزائی برای خارنوال پرابلم های امنیتی خلق نماید اگر در پروسه تحقیق یا تعقیب ، مظنون یا متهم کدام کدورت حاصل نماید خارنوال باید ذهن او را روشن کند و تا اندازه ای جهت رفع کدورت اش بکوشد بآنهم اگر در این سعی خود خارنوال به نتیجه نرسید کدام تشویش را به خود راه ندهد چه خصم شریف است خداوند (ج) و قانون افغانستان حافظ و نگهبان خارنوال است.

خارنوال نباید مانع اصلاح و صلاح و سازش مظنون و متهم با مجنی علیه و یا ورثه و یا وابسته گان او شود حتی میشود آنها را به مصالحه دعوت نماید. اما به صراحت برایشان ابلاغ کند که انصراف از دعوی حق العبدی جدا است که صلاحیت انصراف آن را مجنی علیه و یا وکیل و یا ورثه او دارد و انصراف از دعوی حق الله جدا است که صلاحیت انصراف از آن را خارنوال دارا میباشد. اما بر خارنوال لازم است که به طرفین مصالحه توضیح کند در حادثات کوچک جزائی چون لت و کوب و یا حادثات جزائی بین فامیل زن و شوهر ، مطابق ماده (۴۷۶) قانون جزا انصراف از دعوی سبب حفظ دوسیه جزائی و انصراف از دعوی جزائی شده میتواند.

بر خارنوال لازم است که در پیش روی مجنی علیه و یا وابستگان او با متهم و مظنون صحبت را گرم و صمیمانه نگیرد و از در محبت و صمیمت باو گفتگو نکند چه سبب تأثر و خشم مجنی علیه و یا وابسته گان او میگردد. برعکس آن ، گرم گرفتن صحبت با مجنی علیه و یا وابسته گان او در حضور مظنون یا متهم سبب تأثر و ناراحتی مظنون یا متهم میگردد بر خارنوال لازم است تعادل را نگاه کند.

رفتار خارنوال با مجنی علیه و وابسته گان او :

مجنی علیه معمولاً مظلوم واقع شده است از ظلمی که به سرش آمده است به ادارات قانونی مراجعه کرده است بعضاً در اول بسیار احساساتی و بر انگیزته میباشد و مطالبه بیش از حد قانون میداشته باشد به اصطلاح معجزه میخواهد مجازات آنی فاعل را مطالبه مینماید. در حادثه قتل ورثه و وابستگان مقتول احساساتی عمل مینمایند همیشه این جمله را که (چرا قاتل اعدام نمیشود) زمزمه مینمایند مجنی علیه و یا وابسته گان آنها معمولاً به تسلی نیاز دارند. خارنوال باید با اینها از در مدارا و عاطفه پیش آید در موقع اخذ اظهارات شان به آنها وعده تطبیق عدالت را بدهد و آنها را مطمئن سازد که مظنون اگر فاعل و مجرم تثبیت گردد حتماً مجازات قانونی میشود و هیچ مجرمی نمیتواند از پنجه قانون فرار نماید.

حفظ اسرار دوسیه جزائی :

حفظ اسرار دوسیه جزائی ، حفظ اسرار شخصی مظنون و متهم و مجنی علیه یکی از وظایف اخلاقی و حتی قانونی خارنوال است. خارنوال باید از دادن هر

نوع اطلاعات راجع به اسرار فوق الذکر به اشخاص ثالث امتناع ورزد، نباید مظنون و متهم را از طریق مطبوعات و رسانه ها افشأ نماید و الی فیصله قطعی محکمه از افشأ گری ها در این باره خود داری نماید. در مصاحبه ها هدایت ماده (۱۲۰) قانون جزا را در نظر گیرد. اما در حالاتیکه جرایم بزرگ ملی و یا جرایم مطبوعاتی واقع شده باشد و خارنوال ناگزیر شود که در مدیا، یک سلسله مطالب را طی یک مصاحبه مطبوعاتی افشأ نماید. در این صورت از توضیح شهرت مکمل مظنون و متهم خود داری کند حتی میتواند مظنون را به نام مستعار معرفی نماید. در حالاتیکه جرایم تجاوز به عفت و سایر تجاوزات جنسی مطرح است از افشأ هویت مجنی علیه کاملاً خود داری نماید.

مصاحبه خارنوال در مدیا و رسانه ها نباید سبب فرار یک تعداد از مظنونین دیگر که هنوز دستگیر نشده اند گردد خارنوال در این باره با رعایت احتیاط زیاد صحبت نماید، کوشش نماید که صحبت خویش را پیش از پیش تهیه نماید و از روی نوشته حرف بزند. خارنوال نباید عوام فریبانه صحبت نماید و وعده های چرب و نرم که اجرای آن در توان و یا صلاحیت وی نیست به مردم بدهد.

خارنوال وقتیکه در باره سرنوشت مظنون و متهم تصمیم میگیرد باید یک بار خود را در جای وی قرار دهد و هکذا وقتیکه رهائی متهم و یا رأفت قانونی با متهم مطرح مییاشد خود را در جای مجنی علیه و یا اقارب و وابسته گان وی قرار دهد خارنوال نه تنها اینکه قانون را رعایت ، تطبیق و احترام میکند حتی باید خود از قانون هراس داشته باشد و متوجه باشد که شاید یک روزی خودش در مظان یا اتهام جرم قرار میگیرد.

خارنوال باید در عمل خصومت شریفانه خویش را منحیث یک خصم شریف ثابت نماید به مظنون و متهم و وابسته گان وی عملاً بفهماند که دشمن شخصی وی نیست بلکه صرف میخواهد با یک کنجکاوی تحقیقاتی به واقعیت و عدالت برسد و تصمیم گیرنده اصلی ، اصلاً قاضی است.

در دنیای کنونی که مشاغل تخصصی شده و پیچیده گی پیدا نموده ، خارنوال نیز از جمله متخصصان دوران خود محسوب میشود. در کشور های متری خارنوالی تخصصی شده است ، تقرر خارنوال در پست های تخصصی بروی تخصص وی صورت می گیرد. در کشور ما گرچه بعضی از بخش های کار خارنوالی تخصصی شده است مانند خارنوالی جرایم اطفال ، خارنوالی جرایم

خشونت علیه زنان ، خارنوالی مبارزه علیه جرایم مواد مخدر و خارنوالی مبارزه علیه جرایم فساد اداری اما متأسفانه تقرر خارنوالان در این بخش ها بروی تخصص و مهارت های آنها کمتر صورت میگیرد. در حرفه های تخصصی چون زمینه امکان سؤ استفاده برای متخصص وجود دارد خارنوال نیز از این شک بدور بوده نمیتواند. نورم های قانونی و حقوقی از یک طرف و نورم های اخلاقی و وجدانی فردی ، از طرف دیگر ضمانت اجرای مؤثر برای مسئولیت های کاری خارنوال میباشد و باین ترتیب اگر ضمانت های حقوقی و قانونی مؤثر واقع نشود در واقع همان سوگند اولیه خارنوال که در شروع مأموریت یاد کرده است که به صداقت و عدالت وظیفه را اجرا مینماید در حقیقت ضمانت اجرائی برای خارنوال است که شاید نتواند از ندای وجدان که در درون وی طنین انداز است سرپیچی کند و عدالت را پایمال نماید .

تخصص در جامعه متمدن کنونی گرچه یک نعمت و وسیله پیشرفت است اما مانند یک شمشیر دو تیغه است چرا که متخصص میتواند به آسانی از تخصص خود سؤ استفاده کند (دزد چراغ بدست گزیده تر برد کالا) خارنوال نیز امکانات سؤ استفاده از تخصص را دارد. اما باید گفت که همه انسان ها و یا

همه خارنوالان استفاده جو نیستند تنها تعدادی محدودی از آنها در اثر پاره از عوامل و علل آلوده و نا پاک میشوند. در واقع عده ای قلیل هستند که عدالت قانون و اخلاق را زیر پا میگذارند.

قضاوت مردم و جامعه نسبت به شخصیت خارنوال بر اساس اجراءات او که تا چه اندازه عادلانه است و یا خیر و شخصیت اخلاقی او صورت میگیرد.

رفتار خارنوال با پولیس و سایر مراجع امنیتی و کشفی :

مراجع کشفی ممد و همکار و یار و یاور خارنوال است معمولاً مراجع کشفی سرنخ را بدست خارنوال میدهد. پولیس و یا سایر مراجع کشفی راپور آگاهی واقعه جزائی را به خارنوال رسماً اطلاع میدهد. مظنون را در صورت امکان دستگیر و با مجنی علیه و یا وابسته گان او یکجا با راپور قضیه به خارنوال تسلیم میدهد. برخورد خارنوال باین گروه نباید مبتکرانه و آمرانه باشد خارنوال نباید باین گروه به دیده مادون و زیر دست نظر کند بلکه با یک دیده همکار و ممد عدالت جنائی به آنها نگاه کند چه همکاری و فعالیت آنها در تکمیل

دوسیه جزائی امر کاملاً ضروریست که بدون همکاری آنها پروسه دعوی جزائی از جهالت به معلومیت و عدالت نخواهد رسید.

خارنوال باید بداند که مراجع امنیتی اعم از پولیس و استخبارات چشم و گوش دولت هستند. دولت توسط همین ادارات همه تخلفات از قانون، بیدادگری ها و جفا را از یک طرف و مظلومیت مردم و ستمدیده گان را از طرف دیگر مشاهده مینماید و صدای مظلومان را از همین طریق استماع می نماید. خارنوال که خود مدافع حقوق مظلومان است، وظیفه جلوگیری از ظلم و جفا را به عهده دارد و مظنون و متهم را تا سرحد تعیین مجازات و حتی تطبیق مجازات تعقیب و پیگیری مینماید تا مجازات سبب زجر خودش و عبرت دیگران گردد. باین اساس روابط، مراودات و هماهنگی اداره خارنوال با مراجع امنیتی ناگزیری و بایستگی است. خارنوال و مراجع امنیتی را از مراودات و وظیفوی گریزی نیست.

از طرف دیگر خارنوال که در جهت قانونیت کار و پیکار مینماید، مراجع امنیتی در جهت تأمی امنیت و تأمین حقوق و آزادی های مردم، اصلاً امنیت و قانونیت لازم و ملزوم یکدیگر اند بدون امنیت اصلاً قانونیت نمیتواند وجود

داشته باشد و عکس آن هم. چه در بی امنیتی زورمندان خود را مطیع قانون نمایند و آنچه دل شان بخواهد، انجام میدهند. ظلم و جفا مینمایند، به جان و مال و ناموس مردم تجاوز مینمایند. باین ترتیب اگر قانون هم وجود داشته باشد، قانونیت ضعیف و حتی به صفر تقرب مینماید و زورمندان وظالمان مجازات نمیشوند. بدون موجودیت قانونیت امنیت اصلاً تصور شده نمیتواند چه وقتیکه قانونیت وجود نداشته باشد و قانون تطبیق نگردد که اشخاص متخلف از قانون را مجازات نماید. اشخاص متخلف با در نظر داشت اینکه قانون تطبیق نمی گردد با اطمینان و با فرار از مجازات در هر کجا باز هم تخلف و زور گوئی مینمایند. لهذا گفته میتوانیم که قانونیت و امنیت هر دو لازم و ملزوم و ممد و مکمل یکدیگر میباشند. هر دو یعنی امنیت و قانونیت دو طرف یک سکه هستند که نبود یکی از آنها سکه را از چلش می اندازد. اجتماع در نبود هر یک از آن، در حال بحران و فاجعه قرار میگیرد. بطور مثال در روز های اول ورود مجاهدین در کابل قانونیت وجود داشت اما امنیت وجود نداشت و برعکس در زمان تسلط طالبان در کشور امنیت وجود داشت اما قانونیت وجود نداشت. ارتش طالبان به نام جمع آوری سلاح و یا هر

ملحوظ دیگر بدون رعایت قانون هر کس را شکنجه ، زندانی حبس و مجازات بدنی و مالی مینمودند، بدون اینکه حکمی از طریق مراجع قضائی دموکراتیک صادر شده باشد. قانونیت و امنیت هر دو نیاز جامعه میباشد.

مهمتر اینکه ادارات خارنوالی در محلات و ولسوالی ها به نبود قلت تجهیزات خاصاً وسایط ترانسپورتی مواجه اند، رابطه حسنه خارنوال با آنها امکانات استفاده از تجهیزات آنها را برای خارنوال در رسیدن به محل واقعه و سایر وظایف ضروری مهیا میسازد. حتی اینکه مطابق ماده (۲۳) قانون اجراء جزائی مؤقت خارنوال مکلف است که فعالیت های تحقیقاتی را شخصاً یا به کمک مامورین ضبط قضائی انجام دهد که گفته میتوانیم همین مؤظفین کشف سمت مامورین ضبط قضائی را دارا میباشند. بناً خارنوال در بعضی حالات مکلف است همکاری مؤظفین کشف را با خود داشته باشد.

خارنوال و اهل خبره :

خارنوال در تشخیص واقعیت ، حقیقت و عدالت محتاج به دیگران است به تنهایی نمیتواند صرف در پشت میز به عدالت جنائی برسد. از اظهارات شهود

محل واقعه و محضر واقعه گرفته تا شهودی را که طرفین در پروسه تحقیق معرفی می نمایند. اظهارات همه آنها یک بخش از واقعیت ها را بر ملا میسازد و یا هم شهود کاذب و یا اهل خبره با ارایه نظریات خلاف واقعیت میتوانند واقعیت را مبهم سازد و باین ترتیب به چالش های که خاتونال در ابهامات قصه مواجه است بیافزاید. اما رشد، انکشاف و تکامل علوم و تکنالوژی پرابلم ها و مسایل و قضایای حقوقی و جزائی را از حالت ساده آن کشیده و به حالت پیچیده و مغلق و غامض آورده است. اگر این وسایط انکشاف یافته تکنالوژی بدست مراجع عدالت قرار دارد که توسط آن به آسانی میتوان مجرم و فاعل را تشخیص کرد. برعکس این وسایط انکشاف یافته بدست مجرم نیز قرار دارد که توسط آن میتواند جرم را طوری مرتکب گردد که آثاری از آن به جا نماند. وسایل اثبات که در دوره کلاسیک رایج بود و آن عبارت از اقرار، شهادت، اسناد، قراین، حلف و نکول، امروز این وسایل اثبات تحول قابل ملاحظه نموده امروز در تحقیق مسایل جزائی، بیشتر روی مدارک اثبات مادی جرم حساب میمانند و باین ترتیب نظر اهل خبره یا اهل فن و یا کسانی که به اثر

دانش علمی و تجربه عملی در یک موضوع معلومات کافی دارند. در پروسه جزائی واجد اهمیت زیاد است و بیشتر به آن ترتیب اثر داده میشود.

در کشور ما استفاده از نظریات اهل خبره در پروسه اثبات موضوع در محکمه سابقه بیشتر از نیم قرن دارد. برای اولین بار قانونگذاری کشور ما در سال ۱۳۳۵ در متن قانون (اصولنامه اجراءات^{۱۳} اداری محاکم عدلی) در مواد (۷۶، ۷۷، ۷۸ و ۹۱) آن به محاکم مکلفیت داده تا در باره در روشن شدن واقعیت از اهل خبره استمداد جویند. چنانچه در اصولنامه اجراءات حقوقی محاکم عدلی نافذ سال ۱۳۳۷ در مواد (۱۹۳ الی ۲۳۴) آن نیز چنین مکلفیت به محاکم داده شده بود.

بعداً در سال ۱۳۴۵ اداره بنام اداره نشان انگشت در چوکات اداره جنائی مرکز وزارت امور داخله تأسیس شد از آن تاریخ تا حال محاکم و خارنوالی ها در مسایلی که آگاهی بالذات نزدشان مجهول باشد با توسل به اهل خبره در راه

۱۳ - در سال ۱۳۰۲ و بعد از آن در کشور ما قانون اساسی بنام نظامنامه اساسی و قوانین عادی بنام نظامنامه یاد میگردد. بعداً در سال ۱۳۱۲ در اسناد تقنینی کشور ما این نام عوض شد. قانون اساسی بنام اصولنامه اساسی گردید و قوانین بعدی بنام اصولنامه یاد میشود. بلاخره در سال ۱۳۱۳ کلمه قانون و قانون اساسی رسماً در ادبیات کشور ما داخل شد که قانون اساسی سال ۱۳۱۳ و سایر قوانین عادی تصویب و توشیح و نافذ گردید. از آن تاریخ به بعد قوانین، مقررات، لوائح و طرزالعمل ها در ادبیات حقوقی ما رایج شد.

دریافت حقیقت اقدام مینمایند تا به خطا نروند. اهل خبره مسایل مجهول پروسه تحقیق را میتواند به سرحد معلوم برساند. مثلاً در باره تثبیت نشان انگشت سارقی که در حین سرقت کالا از منزل شخص در بالای تلویزیون باقی مانده است دو آثار (DNA) مقتول که در لباس قاتل مانده ، در باره مرمی که از کدام سلاح فیر شده است ، در باره تصویریکه چشم مقتول از آخرین منظره ها و قاتل گرفته است ، در باره مواد انفجاری و صدها مسئله بغرنج پروسه تحقیق ، اهل خبره میتواند خارنوال را ر روشنی قرار دهد و راه تاریک تحقیق را برایش روشن سازد تا به آسانی به حقیقت و عدالت برسد.

برخلاف بعضاً امکان دارد که اهل خبره پروسه تحقیق خارنوال را که مدت زمانی پیشبره بررسی آن موقوت است به تأخیر بیاندازد و بعضاً طوری ابراز نظر نماید که برای وضوح حقیقت کافی نباشد و یا نکاتیکه به حقایق ارتباط دارد قصداً به آن تماس نگیرد و یا نظریه شان صراحت نداشته باشد مغشوش و بی معنی ، ناقص و یا ناکافی باشد. خارنوال ناگزیر است. در چنین حالات اهل خبره را احضار و ایضاحات لازم را از آنها مطالبه نماید. اما بر اساس ماده

(۱۴۷) قانون اصول محاکمات تجار تی کشور ما هیچکس مجبور کرده نمیشود که بدون موافقه اش بحیث اهل خبره اظهار عقیده نماید.

بر خارنوال لازم است تا در استعلامیه و یا مکتوبی که از اهل خبره توضیحات مطالبه مینماید، مطالب ذیل را به صراحت به اهل خبره ابلاغ نماید :

- ۱- در موضوع مربوط دارای معلومات علمی و فنی باشد.
 - ۲- شخص ابراز نظر کننده اهلیت شهادت را داشته باشد.
 - ۳- بحیث اهل خبره برای اظهار عقیده موافقه داشته باشد.
 - ۴- عدم داشتن سوابق جنائی.
 - ۵- نبودن رابطه زوجیت ، قرابت درجه اول یا دوم با طرف یا طرفین دعوی.
- (البته خارنوال باید شهرت مظنون و مجنی علیه را تحریر نماید).
- ۶- خادم یا مخدوم طرف یا طرفین دعوی نبوده.
 - ۷- عدم موجودیت سابقه خصومت با طرفین دعوی.

۸- نبودن دعوی حقوقی یا جزائی با یکی از متخاصمین در هنگام ابراز نظر بحیث اهل خبره.

مگر متأسفانه ثارنوال حینکه میخواهد کتباً نظر اهل خبره را در یک موضوع اخذ نمایند مطالب فوق را کمتر در نظر میگیرند در حالیکه رعایت مطالب فوق اهل خبره را در ارایه نظریه شان دقیق و محتاط میسازد. استعانت از اهل خبره در تاریخ اسلام نیز قدامت دارد. عطیه مشرفته مؤلف کتاب القضا فی اسلام در صفحه (۷۷) کتاب خویش تحت عنوان کار برد معاینه محل در روزگار حضرت پیغمبر^(ص) مینویسد: «دو برادر خانه ای به اشتراک داشتند بعداً میان آن را دیوار کشیدند و بعداً هر دو برادر جان سپردند، بازماندگان این دو برادر بر سر مالکیت این دیوار با هم اختلاف پیدا کردند به داد رسی پیش حضرت پیغمبر^(ص) آمدند، حضرت پیغمبر^(ص) برای معاینه این محل و ابراز نظر در این باره حضرت خدیفه یمانی را روانه محل مورد نظر کرد. خدیفه پس از معاینه و بررسی دیوار، دیوار را از آن وارثانی دانست که رسن و ریسمان بافته گی شان در آن قرار داشت. او نزد حضرت پیغمبر^(ص) آمد و جناب حضرت پیغمبر^(ص) را از بررسی خود آگاه ساخت و حضرت پیغمبر^(ص) نظر او را قبول

کرد و برایش گفت درست نظر دادی و کار نیکو کردی و طبق نظر وی فیصله نمود.»

سوالی وارد خاطر میشود که اگر خارنوال نظر اهل خبره را مشکوک داند در باره چه نوع تصمیم اتخاذ نموده میتواند.

جواب این سوال را میتوان با مراجعه به متون قوانین نافذه کشور دریافت.

در مسایل استفاده از نظریات اهل خبره در تثبیت یک موضوع در قانون اجراءات جزائی نافذه سال ۱۳۴۳ و تعدیلات آن نافذه سال ۱۳۵۲ ، قانون اصول محاکمات تجارتی نافذه سال ۱۳۴۳ ، قانون اصول محاکمات مدنی نافذه سال ۱۳۶۸ و قانون اجراءات جزائی مؤقت برای محاکم نافذه سال ۱۳۸۲ مطالب مهم و قابل تأمل وجود دارد.

در ماده (۹۱) قانون اجراءات جزائی (که عین مطلب در ماده (۷۵) تعدیل قانون اجراءات جزائی ذکر شده) آمده است که طرفین دعوی حق دارند در صورت وجود اسباب موجب، رد اهل خبره را مطالبه نمایند. در آن صورت درخواست با دلایل آن به عضو خارنوالی یا هیأت ضبط قضائی تقدیم میشود،

عضو څارنوالی یا هیأت ضبط قضائی مکلف است در خلال سه روز از تاریخ تقدیم درخواست در مورد تصمیم بگیرد. در صورتیکه اسباب موجبه موجود باشد دست اهل خبره از کار گرفته میشود... هر گاه اختلافی در آرای اهل خبره موجود شود یا آرای آنان به نظر مامور ضبط قضائی مشکوک باشد مامور ضبط قضائی از اهل خبره دیگری دعوت می نماید یا آرای اهل خبره را نزد متخصصین علم یا فن فرستاده نظر آنان را میخواهد. ماده (۸۹) قانون اجراءات جزائی تصریح کرده که «عضو څارنوالی صلاحیت دارد به عوض اهل خبره شخص دیگری را تعیین کند». در ماده (۷۴) تعدیل قانون اجراءات جزائی تصریح شده که مامور ضبط قضائی میتواند در صورت لزوم بیش از یک نفر از اهل خبره را جهت تثبیت حالت مطلوب مؤظف نماید. هکذا ماده (۱۹۰) قانون اصول محاکمات مدنی هم در باره نظریه اهل خبره مطلبی را حاوی است و آن اینکه ماده مذکور صراحت دارد که «محکمه به نظر اهل خبره یا مطلع مقید نبوده نظر ارایه شده را مثل سایر دلایل اثبات ارزیابی مینماید. هرگاه نتیجه ارزیابی محمه با نظر اهل خبره وفق نداشت، دلایل آنرا به صورت مفصل در فیصله انعکاس میدهد.» به همین منوال قانون اصول

محاكمات تجارتي در باره اهميت نظر اهل خبره در پيشگاه محكمه هداياتي را حاوي است چنانچه ماده (۱۵۴) قانون مذکور هدايت داده كه «نظريات اهل خبره بر اساس اكثريت آراء اتخاذ گردیده و در حل و فصل دعاوي بحيث قرينه شناخته ميشود». ماده (۱۵۵) قانون مذکور همچنان هدايت داده كه در صورتيكه محكمه نظريه اهل خبره را اعتبار ندهد، ميتواند براي يك بار ديگر اهل خبره جديد را تعيين نمايد. در قانون اجراءات جزائي مؤقت براي محاكم گرچه در مواد (۴۹ و ۵۱) آن در باره اهل خبره مطالبی هدايت داده شده اما در باره اينكه اگر خارنوال به نظر اهل خبره قانع نشود چه نوع اجراءات نمايد. اين قانون گنگ است، كدام هدايتي را حاوي نيست.

خارنوال ميتواند در حالاتيكه به نظر اهل خبره مشكوك باشد به اهل خبره ديگر جهت دريافت حقيقت مراجعه كند اين مراجعات خارنوال ميتواند تا حدى ادامه يابد كه از نظر عدالت او را قناعت دهد، طوريكه به نظرش عدالت را به بهترين وجه تأمين نمايد، حتى وقتيكه محكمه صلاحيت دارد كه نظر اهل خبره را مانند ساير دلايل ارزيابي نمايد، خارنوال كه در حقيقت قاضي استاده است نيز اين صلاحيت را بايد داشته باشد. اصلاً نظريه اهل خبره يك

قرینه است و مطابق ماده (۱۰۳۱) قانون مدنی نقض قرینه قانونی به دلیل عکس آن جواز دارد. بناً حالاتیکه نظریه اهل خبره با محضر محل واقعه ، شهادت شهود، اقرار مظنون و ادعای مجنی علیه و سایر مدارک دیگر در دوسیه مخالف باشد خارنوال حتی میتواند آنرا نادیده گرفته و مخالف آن تصمیم بگیرد.

خارنوال و وکیل مدافع :

خارنوال و وکیل مدافع دو بال فرشته عدالت جنائی هستند و هر دو در پیشگاه محکمه دادخواهی مینمایند هر دو باید دارای تأمینات و صیانت های حقوقی یک سان باشند.

خارنوال و وکیل مدافع را از مراوده و معاشرت با یک دیگر گریز نیست اصلاً بسیاری از وکلای مدافع و خارنوالان در دوره تحصیل با هم ، همصنفی بوده اند و بسیاری از ایشان ضمن برخورد های مکرر وظیفوی با هم سابقه کاری دارند در ادارات حراست حقوق سال ها با هم آشنا و دوست شده اند طول و عرض دهلیز های محاکم را پیموده اند همانطوریکه خارنوال از وکیل مدافع

توقع دارد که وقتی که بدفتر خارنوال مراجعه مینماید باید با یک احترام و حرمت به مسلک خارنوال و قدسیت وظیفه او ، دفاع از حقوق مؤکل خویش را آغاز نماید به همینطور به خارنوال هم لازم است تا رعایت احترام و کیل مدافع را نگهدارد. خارنوالی که از وکیل مدافع توقع احترام دارد باید به وکیل مدافع احترام نماید. اما احترام بیش از حد خارنوال به وکیل مدافع در حضور جانب مقابل مؤکلش در شرایط فعلی جامعه ما در ذهن نا پخته جانب مقابل وکیل مدافع شک و شبهه ها را ایجاد مینماید. بنأ به خارنوال لازم است چنین نزاکت ها را در نظر گیرد تا مورد شک جانب مقابل وکیل مدافع قرار نگیرد.

واقعیت این است که قوانین و مقررات هیچگاهی آن قدر صریح و روشن نیست و همچنان آنقدر محدود هم نیست که با چند ماده قانون یا چند دستور و حکم قضائی بتوان اختلافات بی حد و حصر مردم را به آسانی حل و فصل نمود و یا اینکه با در نظر داشت پرنسیب قانونیت جرایم و مجازات اتهام جرمی را به آسانی به شخص نسبت داد. بعضاً مقنن همه جزئیات را پیش بینی نمیکند و یا هم از اینکه مقنن یک انسان است توان پیش بینی را هم ندارد. قواعد قانونی محدود اما حوادث لایتناهی است و بعضاً هم قانون بسیار

غامض و پیچیده و مبهم است پس هر جا که یک ماده قانون وجود دارد لاقلاً باید یک قاضی برای تفسیر و تطبیق آن موجود باشد و هر جا که یک قاضی و یک خائنوال باشد وجود وکیل مدافع لازم و ضروریست. چه مردمان مظلوم و دادخواه نسبت غامض بودن و مبهم بودن قانون و یا هم نسبت سواد پائین و یا هم بی سواد می‌توانند منافع شانرا که در قانون درج است درست تشخیص نمایند. پس باید کسانی در جامعه باشند که متخصص قانون هستند و حرفه شان دفاع از حقوق مردم است و در بدل حق الزحمه از حقوق مردم دفاع مینمایند. مردم را در روشنی حقوق و امتیازات شان قرار میدهند و راه تاریک را با چراغ علم و معرفت قانون به مردم روشن میسازند. مردم را مطمئن میسازند که نه دولت و نه شخص زورمند حقوق شانرا تلف نمیتوانند. این کسان و اشخاص چراغ بدست، وکلای مدافع اند.

اساساً حقیقت و واقعیت از استکاک تضادها آشکار میشود. برخورد تضادها حقایق را از پرده ابهام بیرون مینماید در غیر آن حقایق مبهم می ماند. استدلال وکیل مدافع در مقابل ادعای خائنوال و دفع دفع خائنوال در مقابل وکیل مدافع میتواند حقایق را از پرده ابهام برون آرد، میتواند قاضی را به راه

حقیقت و عدالت رهنمائی نماید، اما در برخی از موارد دیده شده است که بعضی از وکلا با استدلال منفی و منفی گرائی ها و حاشیه روی ها حقایق را مبهم میسازند و راه عدالت و حقیقت را گم می نمایند. بر خارنوال لازم است که با طرح موضوع مشخص مورد دعوی ، وکیل مدافع را به طرف دعوی و مطالعه خویش متوجه سازد و او را از کجروی ها بازدارد. خارنوال در مقابل وکیل مدافع نباید جر با منطق و استدلال و جز با سلاح قانون عمل نماید.

کشف محتمل ترین حقیقت نتیجه برخورد دونظر متضاد(خارنوال و وکیل مدافع) از وظیفه قاضی است بنابراین مؤکل وکیل مدافع (مظنون یا متهم) ممکن ذیحق باشد یا بدون حق ، ستمگر باشد یا تحت ستم باشد. خارنوال صرف صلاحیت دارد دفاع او را مورد تردید قرار دهد و دلایل قانونی خود را ارایه نماید.

خارنوال و وکیل مدافع هر دو باید از قوت استدلال بالائی برخوردار باشند ، اساساً قوه استدلال در سنین جوانی ضعیف و بالعکس قوه حافظه در آن سنین قوی میباشد هر چند سن انسان بالا میرود حافظه اش ضعیف اما قوه استدلال

وی از طریق مطالعه و غور در قوانین و آشنائی با علوم منطق و فلسفه ، سالم و تقویت میشود.

در حرفه خارنوالی و وکالت دفاع تسلط بر استدلال از ابزار مهم و لازم جهت اثبات ادعا است هر دو خارنوال و وکیل مدافع برای استدلال نیاز به وسیله ارزنده دارند قلم شیوا و بیان زیبا ، فصیح و بلیغ این مهارت را بیشتر برارزنده میسازد.

مراد از استدلال عبارت از سیر و حرکت عقل است از مقدمات جهت رسیدن به نتایج مطلوب و از مجهول به معلوم ویا بر عکس آن از معلوم به مجهول.

استدلال که به معنی دلیل خواستن یا دلیل آوردن است و یا تقریر دلیل جهت اثبات مطلوب است میتواند از حربه های خارنوال و وکیل مدافع باشد.

اما اگر بین خارنوال و وکیل مدافع از نظر مشرب یا طرز تفکر سیاسی و دیدگاه اجتماعی و فرهنگی تفاوت و تضاد ها وجود داشته باشد آنچه که غیر قابل توجیه و مردود است این است که این تفاوت ها و تضاد ها در امور دعوی با وکیل مدافع در پروسه عدالت جنائی مطرح شود چه خارنوال مربوط دولت

است و نسبت به وکیل مدافع برتری دولتی دارد. بناً خارنوال حربه های سیاسی و برتری دولتی را نباید در مقابل وکیل مدافع جهت تعجیز وی استعمال نماید. مثلاً در جلسه به وکیل مدافع بگوید که تو کمونست بودی ، تو اخوانی بودی ، تو طالب بودی ، مالیه سالانه خویش را تحویل نکردی و یا به مظنون یا متهم که مؤکل وی است بگوید که آیا میدانید که وکیل شما کیست از بیوگرافی این شخص اطلاع دارید که به وی اعتماد نموده اید و یا اینکه شرم نداری که از یک ظالم و جنایت کار ، دفاع مینمائی برو از خدا(ج) از راه دیگر روزی طلب کن و از این قبیل کلمات. استعمال این کلمات علیه وکیل مدافع در حقیقت عدالت ستیزی است چه وکیل مدافع از عمل قتل ، از عمل سرقت مسلحانه و یا از عمل تجاوز جنسی دفاع نمیکند بلکه از شخصیکه ظاهراً قاتل ، سارق و متجاوز قلمداد شده و در مظان و اتهام جرم قرار گرفته و هنوز ثابت نیست دفاع می نماید، میخواهد پروسه دعوی جزائی را از لحاظ قانون نظارت نماید که حقوق مؤکلش که با وارد شدن ظن و اتهام علیه او از لحاظ روحی سخت ناراحت شده و تحت تأثیر آمده و توان دفاع از خود را ولو اینکه تحصیل یافته حقوق و شرعیات بوده باشد از دست داده است

به مساعدت حقوقی و دفاع و یک محرم اسرار نیاز دارد تأمین نماید و از وی دفاع نمید، این کار وکیل مدافع اگر از یک طرف در بدل حق الزحمه است از طرف دیگر یک رادی و یک باطوری و یک مردانگی است که کسی را که در یک نارامی روحی و یک وارخطائی قرار دارد توان دفاع از خود را ندارد و احساسات اجتماع علیه وی بر انگیخته شده است مورد دفاع قرار میدهد. بناً بر خارنوال لازم است کلمات و جملات وکیل مدافع را در مقابل دعوی خویش تا حدودیکه بر معیار عدالت ، قانون و عرف قضا استوار است ، با قلب فراخ تحمل نماید، از لحاظ پراگماتیک و اصالت عمل خارنوال باید به یاد داشته باشد که وقتی برخورد با افراد بر مبنای عقاید سیاسی و اجتماعی ایشان متداول گردد و صورت گیرد دور نیست که نفر بعدی در یک جلسه دیگر خود وی باشد خارنوال باید معتقد باشد که هر کسی حق دارد برای خود وکیل مدافع بوظیف نماید. ماده (۳۱) قانون اساسی.

وظیفه وکیل مدافع دفاع از مؤکل و احقاق حقوق وی است اعم از اینکه در مقام طرح دعوی باشد یا دفع آن البته بدون توجه به موضع طبقاتی ، نژادی ، مسنگ ، دین ، مذهب ، تحصیلات ، زبان و سایر مشخصات آنها.

اساساً بر وکیل مدافع مشکل است که در ابتدائیکه مؤکل برایش مراجعه میکند تا از وی وکالت و دفاع نماید تشخیص نماید که مؤکلش مطنون یا متهم بر حق است و یا نه ، اصلاً اگر وکیل مدافع در این باره جستجو هم نماید باز هم تشخیص حقانیت مؤکل و دلایل اثبات مربوط دعوی جزائی نسبی است. وکیل را انا به حقانیت نمی رساند بناً وکیل مدافع ، اینکه در کدام جایگاه علمی یا اطلاعاتی قرار دارد و چه قدر تشخیص دیحق بودن مؤکل خود را نموده میتواند دشوار است از وکیل مدافع نباید در تشخیص حقیقت توقع نبوغ و نابغه بودن را داشت. یک دعوی جزائی یا دوسیه ممکن است در رسیده گی بهائی خود منجر به بروز دلایل و حقایقی گردد که در بررسی های اولیه و ابتدائی امکان تشخیص آن وجود نداشته باین ترتیب در پذیرفتن یک دعوی جزائی توسط یک وکیل نمیتوان یک الگو یا یک پرنسیپ متحدالشکل را برای وکیل مدافع ایجاد کرد. اصلاً (حقیقت) جدا و (حقیقت مانند) چیز جدا است شاید در اول وهله یک موضوع برای وکیل مدافع حقیقت جلوه کند که بعداً در طول پر از خم و پیچ دعوی جزائی تغییر نماید. پس میتوان گفت که وکیل مدافع از آنچه که دفاع مینماید شاید آنرا حقیقت پندارد. بناً یک وکیل

مدافع را در پذیرفتن یک دعوی جزائی ولو اینکه ظاهر بسیار مستهجن باشد نباید مورد تمسخر قرار داد. اما آنچه که از دیدگاه موازین اخلاقی حرفه وکالت دفاع، مردود است این است که وکیل مدافع دور از منافع و مصالح مؤکل و صرفاً از نظر منافع مادی خود و یا طلب شهرت و اشتهار خود، دعوی جزائی را قبول نماید و باین ترتیب با سوء استفاده از فقدان دانش حقوقی مراجعه کننده و یا نداشتن وقت کافی وی برایش وعده های مطلوب و جالب بدهد و به نحویکه او را راغب به تفویض وکالت برایش نماید که گفته می توانیم این کار وکیل مدافع، با قدسیت وظیفه او و سوگندی که او در ابتدا جهت صداقت وظیفه ادا کرده است، منافات دارد (ماده ۱۶ قانون وکلای مدافع) اما حالاتی که وکیل مدافع از جاده قانون و عرف قضا و رویه اداری خارج میشود و به ارایه جملات ناراحت کننده و بعضاً اهانت کننده در مقابل خائنوال می پردازد مثلاً میگوید: (اگر خائنوال از وجدان بر خوردار می بود چنین یک دعوی نا حق و غیر عادلانه را علیه مؤکل ام به راه نمی انداخت) و یا اینکه (من میدانم این دوسیه فرمایشی در بدل اخذ پول علیه مؤکل ام ترتیب شده است). بر خائنوال لازم است که به وکیل مدافع موقع چنین کلمات را ندهد.

فوراً با کلمات ادبی و قانونی وکیل مدافع را متوجه جملات میان تهی و اهانت کننده اش بسازد و برایش بگوید که خصم شریف هستم کدام طمع و اغراض شخصی ندارم و به نماینده گی از جامعه و دولت خصومت میکنم ، خصومت شخصی ندارم او را با جملات ادبی قانونی درس عبرت بدهد و سرچایش بنشانند و بعداً اینکه بدون اجازه رئیس محکمه و یا اینکه بدون نوبت حرف زده از رئیس محکمه معذرت بخواهد. اما خارنوال باید به این باور باشد که همه مردم حق دفاع را دارند. ماده (۳۱) قانون اساسی و این حق عام و مطلق است و استثناً ندارد. هیچ قانونی نمیتواند حق داشتن دفاع و وکیل مدافع را از مردم سلب کند چه این حق در قانون اساسی تسجیل شده است ماده (۳۱) قانون اساسی و ماده (۱۴) میثاق ملل متحد در امور مدنی و سیاسی، همه صرف نظر از نوع اتهام یا دعوی شان حق دارند وکیل مدافع داشته باشند.

بلاخره همه ما به این اعتقادیم که تکلیف و وظیفه وکیل مدافع دفاع از مؤکلین است. چه وکیل مؤظف است دقیق ترین مشورت قضائی را که به نظر میرسد به نفع مؤکلش است در اختیار وی قرار دهد. قوت دلایل خارنوال ، مشکلات و مسایل دفاع را برایش باز گو کند تمام ابعاد حقوقی و قانونی قضیه

جرمی را به وی توضیح دهد. حالتی را که اعتراف جرم از موجبات تخفیف مجازات است. ماده (۵۲) قانون جزا و ماده (اول) قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی برای مؤکل خود که متهم است توضیح نماید و سر انجام وکیل مکلف که چند بار تأکید نماید که حق اعتراف به جرم، حق متهم است و هکذا متهم حق سکوت محض را دارد و هیچ کس حق ندارد سکوت وی را بشکند و او را وادار به گفتار و اعتراف نماید تا علیه خود شهادت دهد.

خارنوال و وکیل مدافع هر کدام با استناد و تجمع انبوه دلایل، مواد و مبانی قانونی، حقوقی و شرعی متعارض، جبهه ای را در برابر یکدیگر می گشایند که نه تنها در اثبات حقانیت خویش بلکه در بطلان و بی اساس جلوه دادن ادعای آن دیگری به حمله های سنگین مبادرت میورزند.

در مورد دعوی جزائی باید گفت که دایره قبول کارهای جزائی نسبت به کارهای حقوقی برای وکیل مدافع به مراتب فراختر است زیرا هر انسان صرف به ماهیت انسانی قابل دفاع است هر چند عمل ارتكابی وی به نظر بسیاری از اعضای جامعه غیر قابل گذشت بوده باشد. آنچه در پروسه جزائی مورد بررسی قرار میگیرد عمل یا اهمال از حیث تطبیق آن با مواد قوانین جزائی است، هر

دعوی جزائی ماهیت ، شکل و نوع خاص دارد چرا که اسان ها در زمان ها و مکان های مختلف ناشی از علت و انگیزه مختلف با سلیقه های مختلف و متفاوت دست به اعمال جرمی می زنند و شاید در غیر این عوامل و انگیزه ها نوع دیگری رفتار میکردند این جا ست که نقش وکیل مدافع اهمیت خاص خود را پیدا میکند تا در مقابل خارنوال در محکمه از مؤکلش دفاع نماید. ولی اگر مظنون و متهم شخصاً و راساً از حقوقش دفاع نماید چون از اطلاعات دقیق حقوقی آگاه نیست لذا قادر نخواهد بود در برابر خارنوال آن گونه که وکیل مدافع میتواند مدافع وی شود از خود دفاع کند شاید بسا مطالبی را بیان کند که برای دفاع وی مناسب نباشد و یا از بیان مطالبی خود داری کند که بیان آن برای دفاع وی کاملاً ضروری و لازمی باشد حتی از اشخاص تحصیل کرده و متخصص اعم از قاضی و استاد پوهنتون نیز دفاع توسط وکیل مدافع بایسته و ضروری است چرا که از دیدگاه روان شناسی آدمی زاد تا زمانیکه در قید و بند و مشکلات گرفتار نشده باشد گوینده و نویسنده و دانشمند خوب و توانا است ولی به محض اینکه مشکل و اتهام برایش وارد شود ، پریشان میگردد ، دانش و بینش و تجربه خود را فراموش میکند و بعضاً

بی اراده و ابهت زده میشود در این زمان برای یاری به او وجود وکیل مدافع یک نعمت است که باو اطمینان و آرامش دهد با استفاده از دانش ، تجربه و هنر دفاعی خویش در دفاع از او بکوشد زیرا اصل ، برائت انسان است و حفظ اعتبار و حیثیت انسان بیگناه آنچنان حایز اهمیت است که مسایل مالی در مقابل حیثیت او به درجه دوم قرار دارد.

بعضاً هر انسان ممکن است به لحاظ ویژه گی های محیط زیستی او به زعم بیگناهی در معرض اتهام قرار گیرد از این روست که علمای جامعه شناسی یکی از مشخصات جوامع پیشرفته امروزی را فراهم بودن دفاع حقوق شهروندی میدانند. بناً گفته میتوانیم که دفاع و وکالت دفاع امر مقدس میباشد چه وکلای مدافع از ابتدای زمانیکه شخص در معرض ظن قرار میگردد حتی در شرایطی که افکار عمومی بر انگیخته شده جامعه علیه آن قرار دارد و مظنون و متهم احساس تنهائی و بی کسی مینمایند در کنار او با تمسک و ادله قوانین ایستادن ، از حریم حقوق او پاسداری کردن امر معقول است. وکیل مدافع در حقیقت از مواد و مصالح قانون یک سنگر یا دژ ناشکن و مطمئن را برای مؤکل خود میسازد و خود سنگر داری مینماید.

لهذا گفته میتوانیم که نقش وکلای مدافع قطع نظر از بیگناهی و گناهکار بودن متهم، دفاع از حقوق قانونی آنها میباشد نه دفاع از عمل اجراً شده جرمی آنها، بنأ وکیل مدافع و وکالت دفاع ضرورت مبرم جامعه است. بر خارنوال لازم است تا مقابله وکیل مدافع که با سلاح قانون آراسته است و با دلایل و قراین حمله مینماید و یا اینکه دفاع مینماید با قلب فراخ بپذیرد. از لحاظ عمر، وکلای مدافع قدامت بیشتر از خارنوال دارند. به قول محترم اکادمیسن عبدالاحد عشرتی در رساله اش بنام (مدافع و دفاع از متهم) عمر وکالت دفاع در سال ۲۷۸۷ ق.م در عصر فراعنه مصر میرسد که در تمدن آن زمان مصر، یعنی خاندان سوم و چهارم فراعنه برای حل منازعات اشخاص، محاکم ایجاد گردید و جهت رسیده گی دعاوی یک تن از امرای آنها در رأس محکمه توظیف میگردیدند. این وضع تا زمان خاندان پنجم یعنی سنه ۲۵۹۳ ق م دوام کرد در این دوره وکیل مدافع تنها ارایه صورت دعوی و دفاع را از نام شخص به محکمه تقدیم میکرد. وکیل مدافع را در رویداد های که در جلسه به میان می آمد و مناقشاتی که قضات متوجه متخاصمین میگردانید کوچکترین دخالتی نبود. بعداً اغریقی ها که در سال ۳۲۲ ق م مصر را فتح

کردند، پادشاه حمورابی توانسته بود ادارهٔ امپراطوری خویش را طبق قانون تنظیم کند او واضع اولین قانون وضعی دست بشر است. (در عصر حمورابی سه شخص متهم به قتل یک تن از مؤظفین دولت شدند سال ۱۵۰ ق م وقتیکه این سه شخص تحت محاکمه قرار گرفتند، همسر یا زن یک تن از متهمین نیز خود را مسئول قلمداد کرد و اظهار داشت که همین سه نفر وقتیکه میخواستند شخص مذکور را به قتل برسانند وی را از موضوع در جریان قرار داده بود. در این محاکمه ۹ نفر وکیل مدافع از متهمین قتل و دو نفر وکیل مدافع از زن دفاع نمودند، بلاخره محکمه حکم خود را به محکومیت مردان و برائت زن صادر نمود).

بعداً ناپلیون بونا پارت امپراطوری و واضع و بانی قانون در فرانسه به وضع قانون در باره وکلای مدافع پرداخت و وکلای مدافع را جهت دفاع از حقوق طرفین دعوی اعم از حقوقی و جزائی به میان آورد.

در کشور ما افغانستان در سال ۱۳۲۶ دولت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه مقررره ای را بنا تعلیمات نامه وکالت دعوی نافذ نمود. در ماده (۳۴) این تعلیمات نامه شرایط احرار وکالت دعوی چنین تعیین شده بود :

- ۱- دارای دیپلوم شرعیات یا حقوق باشد یا معادل آن در علوم شرعی معلومات داشته باشد.
 - ۲- به اصولنامه ها و اسناد و تعلیمات نامه ها و لوایح رسمی عدلیه معلومات داشته باشد.
 - ۳- اخلاق مغایر عفت و امانت داری نداشته باشد.
 - ۴- به کدام جنحه و جنایت محکوم نشده باشد.
 - ۵- شهرت بد نداشته باشد.
 - ۶- حد اقل سن سی سال داشته باشد.
- در نهایت گفته می‌توانیم که وکیل مدافع محرم اسرار و محرم راز متهم است متهم که با وارد شدن اتهام علیه او از لحاظ روحی دست و پاچه شده است بعضاً نمیتواند منافع خود را تشخیص دهد وکیل مدافع از زبان وی می شنود و آن را مخفی نگاه مینماید و آنچه را که به مفاد مؤکلس (متهم) است در محکمه مطرح میسازد. این محرم اسرار که از طرف مؤکل انتخاب میشود

مشکلات و حرف های مؤکلهش را با حوصله مندی ، علاقه مندی و دقت کامل می شنود و آنرا با مواد قانون تلفیق میدهد و اولاً به مؤکلهش و بعداً به محکمه بازگو میکند و به متهمی که وارخطائی و نارامی روحی دارد ، اطمینان و آرامش میدهد. از کجا میتوان فهمید که خارنوال در نظریه تحقیق ، اتهامنامه و صورت دعوی خویش به خطا رفته باشد و محکمه بر اساس استکاک دلایل وکیل مدافع علیه دلایل خارنوال به عدم واقعیت و یا ناحق بودن دعوی خارنوال ملتفت شود و حکم به برائت متهم نماید که این موضوع هزارها بار در تاریخ عدالت جنائی رخ داده است.

خارنوال و محکمه :

قوه قضائیه یکی از قوای مستقل سه گانه دولت است (ماده ۱۱۶ قانون اساسی کشورما) قوه قضائیه برابر است با سلامت یک کشور، قوه قضائیه مسئولیت تأمین عدالت را در کشور و جامعه دارا میباشد در حالیکه قوه اجرائیه مسئولیت تأمین امنیت و سایر وظایف اجرائی و اقتصادی را بدوش دارد.

اصلاً در تأمین امنیت ، پیشرفت ، آزادی مردم ، امنیت و سعادت جامعه ، قوه قضائیه نقش عمده دارد. هنگامیکه این قوه بدرستی کار خود را انجام ندهد عکس نتیجه حاصل میشود. ضرب المثلی است که میگویند حکومت کفر دوام میکند اما حکومت ظلم نه. رفتار خارنوال با قوه قضائیه مربوط میشود به رفتار او با قضات و محاکم ، قضات معمولاً انسان های شریفی هستند در احقاق حقوق مظلومان و اعاده حقوق به ذیحق و دو باره قرار دادن حق به جایگاه اصلی اش تخصص دارند اما ندرتاً بعضی محدود قضات اشخاص از خود راضی و برتری طلب میباشند که به خارنوال به روحیه پائین تر از خود نظر مینمایند اما خارنوال بداند که باین نظر از این بعضی قضات تنزل نمیکند بلکه خارنوال در جامعه و دولت جایگاه خود را دارد.

قاضی واژه مقدسی است ، قاضی است که با کمال صداقت و قاطعیت احقاق حق مینماید از ضعفا و ستمدیدگان در برابر اقویا و ستمگران حمایت بیدریغ مینماید.

قاضی و خارنوال هر دو راهیان راهی هستند که به جاده عدالت منتهی میشود و در نتیجه به یاری ستمدیدگان و احقاق حقوق مظلومان می شتابند هر دو دریا های حروشانند که به دریای واحد عدالت میریزند.

یک موضوع حایز اهمیت است اینکه آنچه که به اندازه نفس عدالت مهم است شخصیت داد رس یا کسیکه به عدالت حکم میکند، میباشد. یک قاضی ولو هر قدر دانا ، توانا ، صادق و عادل باشد بازهم در تشخیص حق از باطل نیاز به همکاری و رهنمائی دیگران دارد که با ارایه دلایل ، شواهد ، قرائن (خارنوال و وکیل مدافع) حقیقت و واقعیت را در پیشگاه وجدان قضائی او روشن کند و دیده بصیرتش را تقویت نماید.

این رهنمای بصیرت جز منطق و دانش خارنوال و وکیل مدافع چیز دیگری نیست که قدم به قدم همراه قاضی میروند تا به حقیقت برسند. محکمه زمانی ذیحق را تشخیص میتواند که ذیحق بتواند قاضی را رهنمائی و رهبری به حق خود کند اما تشخیص حق و یا حقانیت یک طرف دعوی و استخراج از دلایل ارایه شده طرفین هم نسبی است که از یک قاضی تا قاضی دیگر و از یک محکمه تا محکمه دیگر ، استنباط و استخراج آن متفاوت است. اصلاً قاضی

هم مانند دیگر انسان ها است کدام وسیله ای ندارد که درون افراد را بکاود (و اگر وسیله ای هم داشته باشد که فعلاً ندارد. نا چار است مطابق ماده (۱۳۰) قانون اساسی به دلایل و مواد قانونی حکم کند) پس در شرایط فعلی که قضا مظهر است نه مثبت یعنی این که قضا ظاهر کننده است نه ثابت کننده و قضاوت باز نیست و بسته است مطابق قانون باید حکم قاضی صادر شود و حکم محکمه باید مستند به قانون باشد. بناً کسی میتواند قاضی را به حق خود یا دعوی خود رهنمائی کند که ذهن قاضی را به دلایل قانونی روشن سازد که وسیله ای برای اثبات ادعای خود داشته باشد و گرنه حقیقش پایمال و ادعایش قابل سمع نخواهد بود فیصله برائت به متهم خود معنی عدم سمع دعوی خارنوال را افاده میکند یعنی اینکه خارنوال نتوانسته است با ارایه دلایل قانونی محکمه را بر حقانیت ادعای خود و مسئولیت متهم رهنمائی کند. اما فعلاً بهائیکه جامعه ما در برابر عدالت و یا بی عدالتی محاکم می پردازد ضعف بسیاری موارد از عمل کرد ضعیف خارنوال و یا وکیل مدافع است که متأسفانه مخصوصاً خارنوال تجهیزات پیشرفته و وسایط انکشاف یافته در بخش تحقیق جهت راهیابی حقیقت بدست ندارد و صرف با قلم عمل مینماید.

دعوی څارنوال در پیشگاه محکمه باید مدلل و منطقی و قانونی باشد. اصلاً دعوی مطالبه یک حق یا یک موضوع قانونی از محکمه میباشد. دعوی حانت تزلزل در حق است و حق امتیاز، قدرت و صلاحیتی است که قانون به انسان داده است وقتی این امتیاز، صلاحیت یا قدرت از جایگاه خود خارج شود، میگویند حق آن شخص پایمال شده و وقتیکه حق مجدداً به جایگاه حقیقی خود قرار گیرد، میگویند عدالت برقرار شده یا عدالت حاکم است حق به اثبات رسید. وظیفه قوه قضائیه است که حقوق افراد را که از جایگاه آن خارج شده به جایگاه اصلی و واقعی اش بر گرداند و یا به اصطلاح عدالت را در جامعه برقرار کند. مدلل بودن دعوی څارنوال سبب میشود که محکمه به عدالت حکم نماید. اما به نظر نگارنده حق هیچگاه پایمال نمیشود و هیچگاه تلف نمیشود. حق در حضور خداوند (ج) معلوم است که روز جزا در جایگاهش قرار میگیرد. بناً حق در عالم ثبوت نزد خداوند (ج) با عالم اثبات در محکمه متفاوت است. حق واقعی در عالم هستی و پیشگاه خداوند (ج) همیشه در جایگاه خود قرار دارد ولو اینکه در جهان فانی نزد قاضی به اثبات نرسیده باشد اما اگر کسی حق خود را با وسایل قانونی و ادله (ادله به معنی رهنما و

اشاره کردن به چیزی است که میتواند نظر قاضی را به حق خود هدایت کند.)
به اثبات برساند در آن صورت حق وی در جهان و عالم ثبوت نزد خداوند (ج)
و جهان فانی به اثبات رسیده است.

اما از نظر فلسفی ثابت به ذات خود ثابت است ضرورت به اثبات ندارد مثلاً
قتلی که واقع شده است ثابت است ، تجاوزیکه به ناموس صورت گرفته ثابت
است، رخداد حادثه ترافیکی ثابت است ، اختلاس که صورت گرفته ثابت است
این ثابت ضرورت به اثبات ندارد به خودی خود ثابت است اما خارنوال و یا
وکیل مدافع دلایل و ادله ها شواهد و قرائن را جهت آشکار ساختن ثابت به
محکمه ارایه مینماید وقتیکه محکمه دلایل و ادله ها و شواهد و قرائن
خارنوال و یا وکیل مدافع را قبول نمود به حکم قضائی خویش ، ثابت را اظهار
مینماید. اما محکمه و قاضی زمانی میتوانند به حقیقت و عدالت برسند و ثابت
را اظهار نمایند که همه جهات و جزئیات و ابعاد قانونی موضوع برایش توضیح
داده شود و دقیق مطرح شود و قاضی از تمام جزئیات موضوع آگاهی یابد و
نقطه ای هم برایش مجهول باقی نماند. کی ها میتوانند در این موضوع
محکمه را در روشنی کامل و یقین کامل قرار دهند یک طرف خارنوال قرار

دارد که تعلیمات حقوقی و شرعی دیده است. دوران کار آموزی و آموزش حرفوی را آموخته و سپری کرده و تجربه کافی در دوران کار خود اندوخته است و وقت کافی خود و بعضی همکاران خود را در پروسه تحقیق، تحریر اتهامنامه و صورت دعوی ضایع کرده است و طرف دیگر وکیل مدافع که عین دانش، تجربه کار آموزی را دیده و یک پخته مغزی و آبدیده گی را کسب کرده است. محکمه از استکاک استدلال این هر دو استنباط و استخراج خویش را طی یک حکم در فیصله اظهار مینماید. بناً گفته میتوانیم کشف محتملترین حقیقت نتیجه برحورد دو نظر (خارنوال و وکیل مدافع) از وظیفه قاضی و محکمه است.

اصلاً خارنوال، وکیل مدافع و قاضی متخصصین قانون هستند. برداشت از قانون متفاوت است مسایل اجتماعی چون مسایل ساینس نیست که دو جمع دو در هر جا و هر شرایط مساوی به چهار شود. در یک دعوی جزائی ممکن است خارنوال برنده شود و یا اینکه متهم برائت حاصل نماید این بدان معنی نیست که خارنوال در اقامه دعوی و اجراءات خویش اشتباه کرده است روح مطلب این است که استنباط از قوانین از دیدگاه اشخاص متفاوت است

خارنوال از کیس جزائی یک شکل برداشت کرده است و برداشت خود را طی صورت دعوی به محکمه تقدیم نموده است در مقابل آن وکیل مدافع طور دیگری برداشت داشته و استنباط و برداشت خود را طی دفع دعوی خویش به محکمه ارایه نموده. سرانجام کسی که حرف آخر را میزند قاضی است. ممکن است قاضی ادعای خارنوال را قبول نماید و یا اینکه دفاعیه وکیل مدافع را بپذیرد و یا هم ممکن است نظر هیچکدام شان را بلکه در باره تصمیم مستقل بگیرد. مثلاً جهت انکشاف موضوع و یا روشن شدن ابهامات دعوی موضوع را طی قرار قضائی به خارنوال هدایت بدهد.

تکلیف خارنوال در طرح دعوی در محکمه :

ترتیب و طرح دعوی طی یک صورت دعوی نیازمند تفکر و زحمت زیاد است که تمام جوانب قضیه جرمی در آن به تحلیل گرفته شود.

خارنوال مطابق روحیه ماده (۳۹) قانون اجراءات جزائی مؤقت برای محاکم بعد از ختم تحقیقات در حالیکه نسبت عدم موجودیت دلایل مؤجه و کافی الزام، دوسیه را قابل حفظ بداند به حفظ آن اقدام می نماید اما در صورتیکه دوسیه

جزائی را حاوی شواهد و قرائن کافی بداند و به دلایل قانونی واقعه را ثابت و به دلایل قانونی الزامیت و مسئولیت مظنون را ثابت بداند طبق بند (۶) ماده سی و نهم قانون متذکره دوسیه را با ترتیب صورت دعوی محول محکمه مربوط مینماید.

یکی از معیار های مطمئن برای تأمین عدالت جنائی کیفیت طرح و ترتیب دعوی جزائی و قالب بندی آن است. بعد از القاب تشریفاتی و توضیح شهرت و وظیفه ، چگونگی ورود و داخل شدن به دعوی است که معمولاً به توضیح اصل واقعه شروع میشود. بعداً دلایل جهت اینکه واقعه جرمی واقعاً رخ داده است جهت اثبات رخداد واقعه جرمی ارایه میشود که این دلایل ثبوت شامل مشاهدات محل واقعه ، نظر اهل خبره ، عکاسی ، فلمبرداری و غیره میباشد. بعد از آن نسبت این واقعه به متهم و دلایل جهت اثبات مسئولیت وی اعم از اقرار ، سند ، شواهد ، قرائن و اماره میباشد که بخش سوم صورت دعوی خارنوال را تشکیل میدهد و به دوام آن ماده قانونی توضیح می گردد که متهم با ارتکاب جرم آنرا شکستانده و پایمال کرده و در نهایت مطالبه مجازات است که خارنوال در پیشگاه محکمه برای متهم مطالبه مجازات مینماید. اصولاً

نقش خارنوال بیشتر در محکمه مطرح است چه علم ، تجربه ، هنر ، فن ، درایت و کار دانی خارنوال در محکمه که در مقابل وی وکیل مدافع پخته مغز و کاردان قرار دارد مجال بروز و ظهور دارد. چه خارنوال به روشن کردن واقعه در محکمه می پردازد و عدالت جزائی را پاسداری و حتی تأمین می نماید.

خارنوال باید در محکمه جهت اثبات ادعای خود و روشن ساختن ثابت نزد هیأت قضائی در صورت لزوم از هر سه نوع استدلال که در فلسفه و منطق رایج است ، استفاده نماید هر نوع استدلال که مؤجه قرار گرفت آنرا بکار برد. این سه نوع استدلال فلسفی و منطقی عبارت است از :

۱- تمثیل : پی بردن یا اطلاع یافتن از حال یک جز به حال جز دیگر مثلاً انور با هوش است. کبیر شبه انور است پس کبیر نیز با هوش است.

۲- قیاس : عبارت از است از استدلال از حال کل به حال جز . امر و حال کل معلوم است. حال جز از کل معلوم میشود. از کل به جز رسیدن ، اطلاع یافتن از حال جز از طریق اطلاع یافتن از حال کل. مثلاً همه متعلمین صنف ۱۲ ب

این لیسه گرسنه هستند. احمد متعلم صف ۱۲ ب این لیسه است پس احمد نیز گرسنه است.

۳- استقراً: عبارت از پی بردن از حال یک جز و مطلع شدن از حال کل، هر گاه مقدمه استدلال یک امر جزئی باشد این امر جزئی سبب بدست آمدن یک قاعده کلی میگردد این استدلال را استقرائی گویند اطلاع از اثرات یک جز در حقیقت اطلاع از اثرات کل میباشد. مثلاً یک قطعه سرب در اثر حرارت ذوب میشود بناً تمام سرب ها در اثر حرارت ذوب میشوند.

وکیل مدافع در مقابل خارنوال و در کنار قاضی قرار دارد او نیز در کشف واقعیت و اجرای عدالت ذهن قاضی را رهنمائی مینماید. خارنوال و وکیل مدافع هر دو در حضور قاضی از قانون و قواعد حقوقی در حد یک ابزار استفاده مینمایند.

روح دعوی، اصل دعوی و ماهیت دعوی جزائی مطالبه خارنوال است که در یک مسابقه بسیار آشفته مورد مناقشه جدی قرار میگیرد.

بر خارنوال لازم است که در وقت ارایه صورت دعوی بعد از یاد نام خدا و سلام و عرض ادب و ابراز حرمت به محکمه با تونالیته بلند صدا و ضربه محکم آواز ، صحبت خود را آغاز نماید، یعنی شروع کلام از مؤثر ترین لفظ آنهم باید با ضرب آهنگ کلام باشد که تمام حاضرین جلسه را اعم از هیأت قضائی ، متهم، محنی علیه یا وابسته گان وی ، وکیل مدافع ، پولیس و اهل حیره ایکه به جلسه احضار شده اند ، خبرنگاران و تماشاچیان را محکم و متوجه سازد و همه باید دقت نمایند و تمام جسم شان چشم و گوش شود به خارنوال نگاه کنند و سخنان و مطالب وی را بشنوند.

خارنوال باید قصه ارتکاب جرم را طوری بر جسته و متبازل با تون صدای رسا و بلند یاد آوری نماید و صحنه را به گفتار ، اشاره چشم و اشاره دست طوری مجسم نماید که قاضی ، وکیل مدافع و تمام حاضرین جلسه طوری حس نمایند که صحنه ارتکاب جرم را به چشم می بیند و ظلم و تجاوز متهم را بالای محنی علیه احساس مینمایند. گفتار خارنوال طوری رسا و با فریاد باشد که مو را به تن حاضرین مجلس استاده کند اگر حاضرین مجلس از متهم متنفر نشوند حداقل از دلسوری و ابراز همدردی با وی منصرف شوند اگر در

اثنای ارایه صورت دعوی خانونوال لباس رسمی خانونوالی به تن داشته باشد صلابت و وقار او را بیشتر متبازز میسازد. صحبت های خانونوال اگر با توجه به مخاطب و یا به اشاره انگشت شهادت به طرف مخاطب اعم از اینکه مخاطب وی ، قاضی ، وکیل مدافع ، متهم ، مجنی علیه و با وابسته گان وی ، اهل خبره ، ژورنالیست یا خبر نگار و یا کس دیگر باشد صورت گیرد، بهتر خواهد بود خانونوال طوری حرف بزند که حتی تماشاچی هم نتواند بازی گوش و یا بی توجهی نماید. همه را چشم و گوش سازد. بعضاً سر را از نوشته بردارد و به ناظرین نگاه کند.

خانونوال با متانت استاده شود به صدای بلند به حرف آغاز کند با یک مقدمه زیبا به دعوی داخل شود و با یک نتیجه گیری خوش آیند از صحبت بیرون شود و به جایش بنشیند. خلاصه اینکه گفتار و سخنان خانونوال باید طوری باشد که حاضرین را به حسن استماع وا دارد. سخن خانونوال در محکمه باید صریح ، روشن ، بی غش و استوار باشد. بنأ خانونوال باید ، هنر بیان مطلب و نگارش لوایح را داشته باشد. خانونوال در حضور محکمه باید با عدالت و واقعبینانه بر خورد کند و تطبیق قانون را جدی بگیرد.

خارنوال قبل از اینکه به محکمه میرود باید با یک تدبیر و پلان باشد در باره موضوع دعوی جزائی باید قبلاً خوب فکر کند و سپس به قوانین مرتبط با موضوع مراجعه و آنرا به دقت مطالعه کند و اگر لازم باشد در موضوع با همکاران و خارنوالان با تجربه و با دانش در باره مشوره نماید و اگر موضوع دارای پیچیده گی های بیشتر باشد ، بهتر است ساحه مشوره خویش را با همکاران خویش وسیع تر سازد.

خارنوال در محکمه با پاکی و نظافت ، قامت راست ، با وقار و آرامش داخل شود ، منطق قوی ، استدلال موجه ، شیوه والای صحبت ، سخنوری ، فصاحت و بلاغت ، ادیبانه صحبت کردن باید خاصه خارنوال باشد.

باید خارنوال با سیالیت ذهنی کامل و آماده گی فکری و ذهنی لازم در مقابل جلسه قضائی قرار گیرد.

لازمه ارایه صورت دعوی مستدل و یا دفاع پیروزمندانه درمقابل وکیل مدافع در جلسه قضائی ، آماده گی قبلی خارنوال در موضوع است هنر ها ، تکتیک ها

و حمله های مستدل خارنوال در دعوی جزائی علیه متهم باید در محدوده قانون باشد.

حمله اول را خارنوال آغاز میکند چه بعد از تشریفات لازمه و رسمیت بخشیدن به جلسه ، ابلاغ آجندا ، رئیس محکمه از خارنوال تقاضا میکند که اگر دعوی دارد آنرا ارایه نماید. خارنوال باید ریسک دفاع قاطعانه وکیل مدافع را در نظر داشته باشد حتی سوالات و اعتراضات احتمالی او را پیش بینی کرده باشد و تدابیر احتیاطی و آماده گی قبلی اتخاذ نموده باشد در غیر آن در مقابل حملات و استدلال وکیل مدافع ابهت زده و وارخطا خواهد شد. تسلط به قوانین ، مقررات ، رویه قضائی ، متحد المال های شورای عالی قضا ، حتی قواعد عام حقوقی تسلط بر علوم اجتماعی مخصوصاً جامعه شناسی و علوم جزائی ، کریمنال تخنیک ، کریمنولوژی ، منطق ، قواعد اصول محاکمه ، میتواند خارنوال را در مقابل حملات احتمالی و غیر قابل پیشبینی وکیل مدافع در جلسه قضائی مصنوع سازد و حتی وقایه کند، بدیهی است که بی اطلاعی خارنوال از قوانین و مقررات و عدم ورود کافی به علوم جزائی میتواند

خارنوال را در جلسه قضائی در مقابل تعرضات مدلل وکیل مدافع آسیب پذیر و حتی ریشخند سازد.

اما واضح است که خارنوال نمیتواند نتیجه محاکمه جزائی را پیشبینی کند چه از یک طرف استنباط از اوراق جزائی مبنی بر مسئولیت متهم نسبی است که از یک شخص تا شخص دیگر یعنی از خارنوال تا دسته ای قضائی ابتدائیه، استیناف و نهائی متفاوت است. اتهامنامه خود نتیجه استنباط خارنوال و حکم محکمه نتیجه استنباط هیأت قضائی است که بسا اتفاق افتاده است که با هم تفاوت فاحش داشته. خارنوال مطالبه مجازات اعدام نموده اما محکمه حکم به برائت شخص نموده است. از طرف دیگر بر علاوه استنباط های متفاوت، نکته دیگری که بسیار مهم است این است که بعضی از متهمین هوشیار یا به ابتکار خود و یا به ابتکار وکیل مدافع اش که در پروسه تحقیق او را مساعدت کرده است نکته بسیار مهم موضوع جزائی را که باعث برائت وی در محکمه گردد با خود نگاه میکند در پروسه تحقیق رایه نمیکند چه شاید خارنوال آنرا تردید نماید بلکه آنرا در جانی رایه مینماید که خارنوال در تردید آن عاجز باشد و یا اینکه خارنوال وقت و یا اسباب تردید آن را نداشته باشد مثلاً نکته بهفته

خویش را در محکمه نهائی ارایه میدارد که این محکمه حضوری نه بلکه در عدم حضور خصمین فیصله مینماید. بناً بر خارنوال مشکل است که در وقت ترتیب اتهام نامه نتیجه محاکمه را مطابق نظر خویش پیشبینی نماید. لهذا تعهد خارنوال برای مجنی علیه تعهد نتیجه نه بلکه تعهد وسیله است که خارنوال جهت محکوم نمودن قطعی مظنون و متهم کوشش های نهائی را مینماید اما نتیجه نهائی به دست محکمه است و حرف آخر را قاضی میزند.

بر خارنوال لازم است که احترام محکمه و هیأت قضائی را نگاه کند و حرمت شان را به جا آورد به اجازه آنها صحبت را آغاز و به خواهش آنها مبنی بر توقف کلام، صحبت خویش را متوقف سازد. اما خارنوال مطیع محکمه نیست گرچه مکلف است فیصله های قطعی محکمه جزائی را تطبیق و اجرا نماید. اما تابعیت خارنوال از محکمه یک تابعیت کلی نیست بلکه بر عکس خارنوالی بر علاوه اینکه مکلف به تبعیت از محکمه نمی باشد خود محکمه را نظارت مینماید. فیصله های جزائی محکمه ابتدائیه را ارزیابی، کنترل و نظارت می

نماید در صورت مخالفت فیصله با قانون و خطا در تطبیق و تأویل^(۴) قانون و یا خطادر اجراءات اساسی ، نقض و ابطال فیصله ابتدائیه از محکمه استیناف مطالبه مینماید. ماده (۶۳) قانون اجراءات جزائی مؤقت و هکذا فیصله ها و قرار های محکمه استیناف را از لحاظ مطابقت آن با قانون مورد بررسی و ارزیابی قرار میدهد آنهم در صورتیکه خطا در اجراءات اساسی و یا خطا در تطبیق و تأویل قانون باشد آن را مورد اعتراض قرار میدهد و در مدت معینه سی روز ماده (۷۲) قانون اجراءات جزائی مؤقت در باره ابطال یا نقض آن به محکمه نهائی که دیوان های ستره محکمه است ، اعتراض مینماید حتی در حالات مندرج ماده (۸۱) قانون اجراءات جزائی مؤقت و ماده (۳۷۹) قانون اجراءات جزائی سال ۱۳۴۴ و ماده (۴۸۰) قانون اصول محاکمات مدنی میتواند تجدید نظر فیصله های قطعی محکمه را از شورای عالی قضا مطالبه نماید.

^۴ - تأویل به معنی از دو احتمال یک احتمال را انتخاب کردن خطا در تأویل یعنی احتمال نادرست را انتخاب کردن و به آن وقعی قایل شدن یا به آن حکم کردن.

مسئولیت جزائی و مدنی خارتوال :

ملی و عمل انسان نتیجه اندیشه اوست اگر دیده شود که رفتار انسان متفاوت
 بردارد و گاهی متضاد است علت ، آن است که اندیشه متفاوت دارد و یا اینکه اندیشه
 مردمی در حال نوسان است اندیشه در حوزه شخصی انسان قرار دارد قابل
 مرزبندی و کاوش نیست اما زمانی خود را عیان میکند که رفتاری از انسان سر
 آرمان در بین موجودات ، تنها انسان است که رفتار و کردار متفاوت داشته و
 شخصی نحویشان را دگرگون میسازد و تغییراتی را در احوال خود پدید می آورد
 فتواعتد غنمی را ابداع میکند به احلاف خود انتقال میدهد و هم در بسا مسایل
 ژورث احوال گذشته گان خود است و بعضاً کاشف و بانی و میراث گذار احوال
 ای بختری خود است . انسان ها تنها موجودی اند که مسئول خوانده شده اند
 حیوان و جماد و ملائک از این امر مصئون اند. آنچه که انسان را از سایر
 به خاطر متمایز میسازد عقل و فکر است اما انسان صرفاً عقل نیست تا فقط
 دانستن و فهمیدن امور هدف و غایت زنده گی او باشد. انسان از اراده و
 احساس نیز برخوردار است. اراده ، لطف و قهر نیز دارد. همه این ها در زنده
 گی اجتماعی او بکار رفته است. همین سبب است که تربیت در اراده انسان

مقام خاص دارد اما انسان با وجود این ها عاری از سهو و خطا و اشک است. و تا پاک هم نیست. همین سهو و اشتباه و خطا و اراده تا پاک اولساک به داخل برایش مسئولیت بار می آورد. قطرات اشک

مسئولیت چیست : مسئولیت از لفظ مسئول گرفته شده و مسئول به شخص دلالت میکند که در موردی کاری که انجام داده است از او سوال میشود.

این کلمه در قرآن عظیم الشان نیز ریشه دارد: خداوند متعال در سوره بنی اسرائیل آیه (۳۲) میفرماید: «و اوفو بالعهد ان العهد کان مسئولاً وفا کنید به عهد تان و هر انبیه پرسیده خواهد شد از آن

از دیده بیرون شد

و هم چنان خداوند (ج) در آیه (۳۶) سوره بنی اسرائیل میفرماید: «ان السمع و بصر و الفؤاد کل و اولئک کان عنه مسئولاً» یعنی اینکه گوش و چشم و قلب شما که خداوند به شما اعطا کرده است از آن سوال میشود.

کلمه مسئول مصدر صناعی است یعنی مجموعه صفاتیست که اختصاص به

سوال دارد.

تعریف مسئولیت : مسئولیت به معنی تحت سوال بودن یا در مقابل سوال بودن یا تحت سوال واقع شدن است کلمات مشابه آن چون مرغوبیت تحت رغبت بودن ، مصنوئیت تحت صیانت بودن محکومیت تحت حکم واقع شدن ، مناسب ترین تعریفی که از مسئولیت شده است قرار ذیل میباشد:

مسئولیت عبارت است از پاسخ دادن به عمل یا اهمال خود و نتایج آن. اما این تعریف کاملاً مسئولیت جزائی را در بر میگیرد، مسئولیت از لحاظ حقوق مدنی و تجارتي عبارت است از پاسخ دادن به عمل یا اهمال خود و نتایج آن و بعضاً به عمل غیر و نتایج آن. در بخش های مدنی شخص از عمل غیر نیز مسئولیت دارد . مثلاً پدر و پدرکلان به جبران خساره ضرریکه صغیر عاید نموده مکلف میباشد ، مگر در صورتیکه ثابت نماید مراقبت لازم را در زمینه انجام داده یا اینکه ضرر با وجود مراقبت لازم حتماً واقع میگردد. ماده (۷۹۰) قانون مدنی و یا اینکه شخصیکه به حکم قانون یا موافقه ، مکلفیت نظارت شخص را داشته باشد از اعمال مضره شخص تحت نظارت خود مانند صغیر و مجنون مسئول پنداشته میشود و استخدام کننده از ضرریکه از طرف شخص تحت استخدام وی به سبب عمل غیر مجاز وی حین اجرای وظیفه و یا به

سبب آن واقع میگردد ، مسئول پنداشته میشود. مگر اینکه در قانون و یا موافقه طور دیگر تصریح شده باشد ماده (۷۹۱) قانون مدنی و یا اینکه مالک حیوان وقتی مسئول جبران خساره عایده از حیوان میگردد که عدم اتخاذ احتیاط لازم از طرف وی برای جلوگیری از وقوع حادثه ثابت گردد. ماده (۷۹۳) قانون مدنی.

مسئولیت جزائی بخارنوال:

بخارنوال مانند سایر انسان ها مسئولیت نیست هر نوع عمل و اهمال بخارنوال و یا مسئولیت بخارنوال را می آورد مسئولیتی که معمولاً قوانین اساسی جهان و خاصاً قانون اساسی کشور ما برای اعضای شورای ملی (ماده ۱۰۱ قانون اساسی) برای قاضی القضاة و اعضای ستره محکمه ماده (۱۲۷) قانون اساسی. برای رئیس جمهور که در حالات ارتکاب جرایم قباحت و جنحه میرا از مسئولیت است و صرف در حالت ارتکاب خیانت ملی ، جنایت و جرایم

ضد بشری طبق تصمیم لویه جرگه قابل محاکمه میباشد ماد، (۶۹) قانون اساسی^(۵) قایل شده است.

اما څارنوال مثل سایر انسان ها در جامعه کدام مصئونیت جزائی و مدنی ندارد. څارنوال فارغ از سهو و خطا هم نیست گاه گاهی دچار سهو و خطا در کار میشود در این صورت ممکن است به مظنون، متهم یا مجنی علیه و یا وابسته گان وی زیان وارد گردد و ندرتاً هم واقع میشود که څارنوال به سؤ نیت تخلف مینماید و قانون را پایمال مینماید در این صورت مرتکب جرم شده قابل مجازات دانسته میشود مثلاً هرگاه به منظور گرفتن اعتراف مظنون و متهم را شکنجه نماید و یا به آن امر نماید ماده (۲۷۵) قانون جزا و یا اینکه محکوم علیه را از مجازات محکوم بها، شدیدتر مجازات کند و یا به آن امر نماید و یا جزای را به وی تطبیق نماید که به آن حکم نشده ماده (۲۷۶) قانون جزا و یا اینکه با استفاده از صلاحیت وظیفوی در منزل شخص بدون اجازه او در غیر از

^۵ - از محتویات ماده شصت و نهم قانون اساسی اسناط شده میتواند که رئیس جمهور در حالت ارتکاب قیاحت و جنحه قابل مجازات بوده چه در این ماده آمده است که اتهام علیه رئیس جمهور به ارتکاب جرایم ضد بشری حیانت ملی یا حیانت از طرف یک نلت کل اعضای ولسی جرگه تقاضا شده میتواند که از جنحه و قیاحت در این ماده تذکار به عمل نیامده.

حالات و ترتیبی که قانون به آن تصریح نموده داخل شود ماده (۲۷۷) قانون جزا و یا اینکه با استفاده از صلاحیت وظیفوی خود با شخص طوری شدت و خشونت نماید که موجب آلام جسمی یا منافی آبرو و حیثیت او گردد. ماده (۲۷۸) قانون جزا و یا اینکه با استفاده از صلاحیت وظیفوی خود مال منقول یا غیر منقول غیر را از مالک آن به روز بخرد یا بدون حق آنرا در تصرف مالکانه خود در آورد و یا مالک را به فروش مال به شخص دیگر مجبور سازد. ماده (۳۷۹) قانون جزا و یا اینکه اوراق ، اسناد و یا دوسیه های متعلق به دولت و دعوی قضائی را سرقت ، تلف یا پنهان نماید. ماده (۲۸۰) قانون جزا و یا اینکه به قصد رسانیدن نفع یا ضرر به یکی از طرفین دعوی نزد قاضی یا محکمه به صیغه امر یا التماس یا خواهش یا سفارش یا واسطه شود ماده (۲۸۲) قانون جزا و یا اینکه با استفاده از صلاحیت وظیفوی خود عمداً احکام قوانین ، مقررات ، حکم ، قرار و امر محکمه یا اوامر صادره مراجع با صلاحیت حکومت را بدون مجوز قانونی متوقف سازد ماده (۲۸۵) قانون جزا و سایر حالات مثلاً با نیت سو و خلاف قانون اقدام به توقیف شخص و یا برخلاف ، رهائی شخص از توقیف وهمچنان حالات دیگر که در قانون نظارت بر تطبیق

استراتژی مبارزه علیه فساد اداری تذکار یافته چون تجاوز از حدود صلاحیت قانونی ، سوء استفاده از موقوف وظیفوی ، ممانعت یا اخلال در تطبیق عدالت ، استفاده از امکانات دولتی و اوقات رسمی در امور شخصی ، امتناع و استنکاف از وظیفه بدون عذر قانون ، تعلل در اجرای وظیفه محوله ، دخیل ساختن ملاحظات قومی ، منطوقی ، مذهبی ، حزبی ، جنسی و شخصی در اجرای امور محوله. ماده (۳) قانون مذکور و یا هم اینکه در تحقیقات و محاکمه مظنونین و متهمین جرایم مواد مخدر ، ایجاد موانع نماید. ماده (۲۱) قانون مبارزه علیه مواد مخدر.

در همه این حالات مسئولیت جزائی خارتوال بر ملا میباشد که در حالات ارتکاب جرایم تذکار یافته فوق ظن و اتهام به خارتوال وارد شده و خارتوال منحیت یک مظنون و متهم عادی مورد تحقیق و پیگرد قانونی قرار میگردد.

اما سوالی وارد خاطر میشود که اگر خارتوال امری را خلاف صریح قانون از امرین مافوق خویش دریافت نماید ، خارتوال در اجرا یا امتناع از اجرای آن چه موقفی را اختیار نماید. جواب این سوال را با مراجعه به متون قوانین نافذه کشور جستجو و دریافت مینمایم.

ماده (۲۵) قانون تشکیلات و صلاحیت خارنوالی نافذ سال (۱۳۶۵) تصریح کرده که اجرای اوامر و هدایات لوی خارنوال افغانستان در امور کشف و تحقیق جرایم برای تمام ارگان های کشف و تحقیق جرایم، حتمی است. در این ماده (کلمه اوامر و هدایات لوی خارنوال) ذکر شده اما از قانونی بودن اوامر ذکری به عمل نیامده از روحیه این ماده تعبیر و تفسیر مضاعف شده میتواند.

اول اینکه مقنن تصور کرده که لوی خارنوال از یک طرف قانون دان و آگاه از متون تمام قوانین است و از طرف دیگر خود نظارت کننده از تطبیق قانون و پاسدار قانون است. بناً هدایت خلاف قانون نخواهد داد. از این جهت اوامر را محدودیت قانونی نداده چه مقنن کشور مطمئن بوده که از لوی خارنوال اوامر خلاف قانون صادر نخواهد شد. بناً خارنوال یائین تر و مسئولین کشف و تحقیق را بدون کدام دلیل و عذر مکلف به رعایت و تطبیق امر وی دانسته است.

توجه دوم اینکه این قانون در سال (۱۳۶۵) یعنی دوره حاکمیت حزب دموکراتیک خلق تصویب و نافذ شده است در آن دوران مرکزیت از دموکراسی قویتر بود. اداره بیشتر به محور مرکزیت می چرخید تا دموکراسی و لوی

خارنوال مدیر اداری و نظامی دانسته شده بود چه خارنوالی های امنیت ملی و نظامی نیز تحت اثر وی بود بناً قدمه های پائین صرف مکلفیت اجرای امر او را داشت به خارنوالان تحت اثر حق اعتراض به امر وی داده نشده بود.

در بند (۵) ماده (۲۶) قانون تشکیل و صلاحیت خارنوالی نافذه سال (۱۳۶۵) نیز مطالبی آمده و آن اینکه به هیأت مشورتی وظیفه ذیل داده است : « بررسی چگونگی از تطبیق و کنترل و رعایت یک سان قوانین ، اوامر و هدایات لوی خارنوال » در این ماده نیز اوامر و هدایات ذکر شده کلمه اوامر و هدایات قانونی ذکر نگردیده است. همچنان در ماده (۲۷) قانون مذکور تذکر یافته است که تصامیم هیأت مشورتی به اکثریت آرای اعضای حاضر جلسه اتخاذ میگردد. در صورت اختلاف نظر بین لوی خارنوال و هیأت مشورتی ، لوی خارنوال تصمیم خود را تطبیق نموده و موضوع را به هیأت رئیسه شورای انقلابی گزارش میدهد. در این ماده نیز تنها کلمه تصمیم ذکر شده از تصمیم قانونی تذکار به عمل نیامده. بناً از هدایت قانون تشکیل و صلاحیت خارنوالی نافذه سال ۱۳۶۵ چنین استنباط میگردد که به خارنوال پائینی صلاحیت

اعتراض بر امر خلاف قانون لوی خارنوال داده نشده بلکه صرف مکلفیت اجرا برایش هدایت داده شده.

به نظر نگارنده این نوع هدایت قانون خلاف پرنسیپ حقوقی جهانی بوده لازم بود در حالتیکه خارنوال پائینی امر و هدایت لوی خارنوال را خلاف قانون تشخیص مینمود برایش حق اعتراض بر امر و هدایت (متوجه ساختن لوی خارنوال مبنی بر مخالفت امرش) بر قانون داده میشد که این یک نقیصه قانون متذکره است. حتی در بعضی حالات نهایت خطرناک بوده و سبب یک حادثه و ضایعه جبران ناپذیر میگردد. مثلاً لوی خارنوال به خارنوال پائینی هدایت بدهد که مظنون یا متهم را بدون اقامه دعوی و فیصله قطعی محکمه و توشیح رئیس جمهور اعدام نماید، نبود صلاحیت مبنی بر مخالفت برین امر و اجرای بدون اعتراض بر آن، عدالت را خدشه دار و ضرب صفر میسازد و یک ضایعه غیر قابل جبران را به میان می آورد.

اما قوانین بعدی این نقیصه را رفع و هدايات معقولتر در باره صادر نموده است ماده (۲۴) قانون اساسی نافذ سال ۱۳۶۶ توضیح کرده که استناد به امر مقامات مافوق مرتکب را از ارتکاب اعمال خلاف قانونی برائت نمیدهد. از این

ماده به صراحت استتباط و تعبیر شده می‌تواند که خارنوال در اجرای امر خلاف قانون مقامات مافوق مسئول بوده قابل برائت نمی‌باشد یعنی اینکه به خارنوال حق و صلاحیت داده شده که امر خلاف قانون، مقامات بالائی را اجرا نه نماید.

ماده (۱۴) قانون کارکنان خدمات ملکی نافذ سال ۱۳۸۶، به صراحت هدایت داده که هرگاه مامور یا کارکن قراردادی، امر آمر را خلاف قانون یا مقررات تشخیص دهد مکلف است موضوع را طور کتبی به اطلاع آمر برساند در صورتیکه آمر بعد از اطلاع، اجرای امر خود را تأکید نماید مامور یا کارکن قراردادی به اجرای آن مکلف نیست. هم‌کذا ماده (۹۲) قانون کار، کارکن را مکلف به تعمیل به موقع اوامر و هدایات قانونی آمرین مافوق نموده که از جمله هدایات قانونی آمرین مافوق به صراحت استتباط میشود که مامور صرف مکلفیت تعمیل اجرای اوامر قانونی را دارد نه تعمیل اوامر غیر قانونی را.

بنابراین خارنوال که خود مامور دولت است صرف مکلف به تعمیل و اجرای اوامر قانونی لوی خارنوال و سایر مراجع مافوق بوده نه اوامر و هدایات غیر قانونی. در صورتیکه خارنوال اوامر غیر قانونی را تعمیل و اجرا نماید در آن صورت

خارنوال اجرا کننده مطابق ماده (۳۸) قانون جزا بحيث فاعل جرم و امر دهنده مطابق ماده (۳۹) قانون جزا شریک جرم تلقی میگردد. چه امر به عمل، تحریک به عمل حتی بالاتر از تحریک میباشد.

مسئولیت مدنی خارنوال :

خارنوال خود یک انسان و یک کارمند دولت است عاری از خطا و اشتباه نیست.

خطا چیست : خطا عبارت از نقصانی است که در انجام یک عمل معمولی و درست در حال عدم دقت و عدم انطباق انسان با نظام اجتماعی واقع میشود یعنی در حالتی که شخص به اثر سهل انگاری و بی دقتی و بی توجهی نتواند رفتار و اعمال خود را با نظام اجتماعی و یا قانون منطبق ، متوازن و سازگار سازد خطا کرده است.

در کشور های پیشرفته که امکانات استفاده از تجهیزات ، وسایل و تکنالوژی انکشاف یافته در کشف و تحقیق بیشتر وجود دارد، امکانات خطا کاهش یافته،

صرف اگر خساره قصدی باشد در آن صورت مسئولیت مدنی نه بلکه مسئولیت جزائی مطرح میگردد.

اما در جریان اجراءات خارتوال مثلاً در موقع تلاشی منزل یا محل تجارتی ، حالاتی اتفاق بیافتد که خساره به مالک منزل یا مالک تجارتی محل تلاشی برسد. مثلاً خارتوال در موقع جستجو در بالای الماری در یک بی توجهی و یا بی احتیاطی عمل مینماید و این علت سبب میشود که غوری چینی قیمتی و یا بادیکه یا یک شی قیمتی دیگری که در بالای الماری قرار دارد از بالا پائین بیافتد و بشکند ، مسئولیت مدنی خارتوال تلاشی کننده در این رابطه چیست. آیا مکلف به جبران خساره به مالک است یا خیر ؟ جواب این سوال را در متن ماده (۷۸۷) قانون مدنی کشور ما میتوان دریافت. ماده متذکره توضیح کرده : « مؤلف عامه از فعلی که غیر را متضرر ساخته وقتی غیر مسئول پنداشته میشود که آنرا بر اساس امری که اطاعت امر وی واجب بوده و یا به موجب آن اعتقاد داشته باشد، اجرا نماید. همچنان اعتقاد خود را در مورد مشروعیت فعل مذکور مستند به اسباب معقول و رعایت احتیاط مقتضی در آن ثابت نماید.» از فحوای این ماده مطالب دلیل را میتوان استنباط کرد :

۱- اینکه امر امر قانونی در باره وجود داشته باشد اگر خود بدون امر امر قانونی به تلاشی رفته باشد یعنی خود امر دهنده و اجرا کننده تلاشی باشد در این صورت مسئولیت جبران خساره را دارد ولو اینکه بعداً محکمه طبق ماده (۳۴) قانون تعدیل اجراءات حرائی صحت اقدام وی را در خلال یکماه تأیید کرده باشد.

۲- اینکه اعتقاد خود را در مورد مشروعیت فعل مذکور مستند به اسباب معقول ثابت نماید. یعنی اینکه فعل او معقولیت داشته باشد مثلاً اگر برای دستگیری و دریافت یک مظنون رفته است نباید بالای الماری را تلاشی کند چه از فاصله کمتر معلوم میشود که شخص بالای الماری است یا خیر؟ در چنین حالات تلاشی برای دستگیری یک انسان مثلاً بزرگ ، غوری و یا تلویزیون بالای الماری را انداختن ، موجب جبران خساره میباشد.

۳- جمعه (رعایت احتیاط مقتضی را ثابت نماید) این معنی را دارد که خارنوال در تلاشی کاملاً شیوه احتیاط و دقت در کار تلاشی را رعایت کند جستجویش طوری باشد که در حقیقت مال و یا منزل خود را تلاشی مینماید. مثلاً اگر بالای الماری را طوری تلاشی مینماید که هر جنس بالای الماری را مانند یک

لباس و یا بالش از بالا به پائین می اندازد به اصطلاح (گزلک میکند) در چنین حالت در شکستن غوری یا تلویزیون مسئولیت مدنی دارد مکلف به جبران خساره میباشد. اما اگر څارنوال کاملاً جانب احتیاط را رعایت کرده و اشیا در بالای الماری (تلویزیون یا غوری چینی) به طور غیر مستحکم یا غیر منظم به طور (له قانک) و طوریکه به اصطلاح به (دکه بند باشد) گذاشته شده باشد که به اندک ترین شور خوردن الماری و یا دست زدن به آن غوری و یا تلویزیون بیافتد در این جا به څارنوال کدام مسئولیت جبران خساره متوجه نبوده بلکه عدم رعایت احتیاط و دقت مالک در نگهداری غوری یا تلویزیون مؤلد خساره وی شده است.

از جانب دیگر بر اساس قوانین نافذه کشور ما از اینکه توقیف شده بیگناه در حالات دریافت حکم برائت از محاکم تلاته ، صلاحیت و حق اخذ جبران خساره مادی و معنوی ناشی از مدت توقیف خود را ندارد. مسئولیت مدنی څارنوال کمتر است.

در کشور ما برای شخص بیگناهی که بعد از توقیف رها میگردد و حکم برائت بدست می آورد جبران خساره پرداخته نمیشود. اما ماده (۴۲۰) قانون اجراء

جرائی کشور ما نافذه سال ۱۳۴۳ تصریح کرده که (هرگاه متهم، از جرمی که به اثر آن تحت توقیف قرار گرفته، برائت حاصل نماید مدت توقیف او در مدت محکوم بهای جرم دیگریکه در اثنای توقیف ارتکاب کرده یا در اثنای آن از وی تحقیق راجع به جرم صورت گرفته باشد، مجرا شده میتواند) و باین ترتیب مطابق ماده (۴۴۶) قانون اجراءات جزائی کشور ما اگر شخص توقیف شود و در نتیجه صرف به جزای نقدی محکوم گردد باینست در مقابل هر روز توقیف مبلغ (۵۰) افغانی برایش مجرا داده شود و در صورتی که حکم به حبس و جزای نقدی هر دو مشتمل بوده، مدت توقیف او بیشتر از مدت محکوم بهای حبس باشد مبلغ (۵۰) افغانی در مقابل هر روز اضافی به محکوم عنیه مجرا داده میشود که این مبلغ (۵۰) افغانی بر اساس تعدیل ماده (۴۴۶) قانون اجراءات جزائی منتشره جریده رسمی شماره (۳۲۲) مؤرخ ۱۳۶۶/۹/۶ به مبلغ (۳۰۰) افغانی ارتقا داده شده است. و تا حال فاقد اعتبار و ملغی قرار نگرفته است.

در نهایت یک نکته قابل توجه است اینکه سطح بلند دانش حقوقی خارنوال و آگاهی کامل وی از قوانین، مقررات، رویه قضائی کشور ما، خارنوال را از سهو

و اشتباهات و بی دقتی ها در کارش و تخطی های غیر ارادی تا یک اندازه ای
وقایه میماید و مصئون میسازد.

مسئولیت اجتماعی خارتوال:

از اینکه خارتوال همیشه در حال سوال کردن و جواب گرفتن و تحلیل نمودن
جوابات و نتیجه گیری و اعتراض به حکم محکمه است، مسلک خارتوال
شخص را بسیار متحسس، کنحکاو و مهمک و متوجه گفتار و کردار شخص
دیگر میاورد و لو اینکه شخص دیگر مظنون به بلکه شخص عادی هم باشد.
همچنان از اینکه همه روزه اشخاص مظلوم و ستمدیده با عرایض و ابراز عجز
و نیاز به مقام خارتوالی و شخص خارتوال جهت دادخواهی مراجعه می نمایند
بنأ همه این مسایل خارتوال را متجسس و بعضاً هم خود خود و از خود راضی
میسازد. بر خارتوال لازم است که همواره متوجه معنویات خود باشد. آنچه که
بسیار مهم است اینکه خارتوال نباید این عادت از خود راضی و منکبرانه و
تجسس امیر خود را در فامیل و برخورد با همسر، اولاد ها و اقارب نزدیک
خود و اجتماع ماحول خود بکار برد، چه نشود که بر زندگی فامیلی اش اثر
ناگوار نماید بنأ بر خارتوال لازم است که در هر موقع، مخصوصاً در هر ربع

سال ، یکبار شخصیت خود را در مقابل اشخاصی ماحول خود و به خصوص همسر و فامیل خود ارزیابی و امتحان نماید. خارنوال بسیار کوشش نماید که زندگی فامیلی وی با خوش و راحتی باشد و موقعی که از کار حسنه و نا آرام به منزل وارد می شود با نثار یک لیخند منکوئی به فامیل و همسر خود، خود و فامیل خود را راحت نماید. چه خانواده مقدس است فضای آنرا باید مملو از اعتماد ، باور ، صمیمت ، محبت ، وفا ، درک متقابل ، گذشت و ایثار ساخت و با آن حرمت گذاشت. اگر حدانا خواسته فضای خانواده به سببی از اسباب خود پرستی منکبرانه و یا کدام ملاحظه دیگر نارام گردید دیگر از این سلول اذل اجتماع نمیتوان نتیجه مطلوب که آرامش ، بهره برادری صحیح از زنده گی ، تولید مثل و بقای حیات انسان میباشد گرفت چه هر فرزندی علماً و عملاً نماینده انتقال خصوصیات بیولوژیک والدین خود میباشد او ادامه حیات والدین خود در این دنیا ست. هر پدر و مادر شخصیت خود را در وجود فرزندان خویش جلوه گر می بیند و باور دارد که فرزندان شان نیز به نوبه خود در حفظ سلسله آنها خواهد کوشید و باین ترتیب تا جهان و هستی باقی است آثار حیات او باقی خواهد بود. بناً فامیل یا نهادی که اساسش محبت، وفا

و درک و احترام متقابل و تولید مثل و بقای بشر است نباید با رفتار متکبرانه و خود پرستانه صدمه ببیند بر خائوال لازم است تا با در نظر داشت این پرسبب ، برخوردار خود را با فامیل یعنی همسر ، اولاد و والدین خود همیشه مورد کنترل داشته تا از اعتدال خارج نگردد.

خائوالی که صادقانه کار می‌نماید و به عدالت و حقانیت تصمیم می‌گیرد نباید در خود تشویش ، از لحاظ انتقام گیری کسانی که از اجراءات وی متضرر شده اند راه دهد و از این ناحیه به هراس باشد. چه خداوند (ج) و قانون کشور ما حافظ و نگهبان و یار و یاور وی است. او خود را به حق و فضا ایزدی تسلیم نماید و هیچ تشویش را به خود راه ندهد چه خارج از قضا و قدر چیزی به سرش نمی آید:

به حق تسلیم شو تا وارهی از این و آن بیدل

به دریا قطره چون گم گشت دریا داند و کارش

نتیجه:

در دوره انتقام گیری که انتقام منشه و هدف مجازات بود و حد و حصر نداشت نه تنها مجرم بلکه تمام افراد خانواده وی نیز مسئول محسوب میشد و در معرض انتقام قرار میگرفت و هیچ تناسبی بین جرم و مجازات وجود نداشت. عفو و بخشش جزء معایب و سر افکندگی بود. اما با نفوذ قواعد دینی در جوامع، رهبران ادیان مختلف، مردم را از هر قبیله و نژادی که بودند به پرستش خدای واحد دعوت کردند، رحم و شفقت، گذشت و بخشش را تبلیغ کردند تا اینکه نحوه انتقام از مجرم تعدیل شد و برای انتقام گیری حدی را تعیین کردند. در ابتدا هیچ تناسبی بین جرم ارتکاب شده و مجازات وجود نداشت اکثراً مجازات بسیار زشت تر و شدیدتر از جرم بود. بعداً قصاص جای انتقام خصوصی را گرفت و قانون (چشم در مقابل چشم و دندان در مقابل دندان) (شریعت موسی (ع) نافذ گردید. و بعداً در احکام دین مبین اسلام قصاص به شکل عادلانه و منطقی آن هدایت داده شد. « یا ایها الذین آمنو کتب علیکم القصاص فی القتل الحر بالحر والعبد بالعبد والانثی بالانثی.»

سوره بقره آیه (۱۷۸) و همچنان «ولکم فی القصاص حیاة یا اولی الاباب لعلکم تتقون.» سوره بقره آیه (۱۷۹).

با اجرای قصاص مسئولیت دسته جمعی خانواده مجرم و انتقام از اعضای فامیل شان از بین رفت و اصل شخصی بودن جرایم و مجازات پذیرفته شد. و باین ترتیب افراد خانواده مجرم از انتقام جوئی قوم و قبیله مجنی علیه مصئون ماندند.

فوانین جزائی از قدیمی ترین قواعدی است که در جوامع بشر بمیان آمده در واقعیت مجازات نیز یکی از قدیمی ترین اقدام و عکس العمل و وسیله بشری در مقابل افراد شرور جامعه به حساب می آید. اصلاً مجازات نشانی از حاکمیت اجتماعی است.

تطبیق مجازات بعداً شامل پروسه های بررسی و تحقیق عمل جرمی قبل از مجازات قرار گرفت و دولت قبل از تطبیق مجازات به خود حق داد که موضوع را اولاً بررسی و تحقیق نماید. تحقیق جرایم هم سیر صعودی خویش را پیموده است.

در ابتدا در پروسه تحقیقات و بررسی ها ، اصل برائت ذمه در نظر گرفته نمیشد، بلکه وقتیکه ظن و اتهامی علیه یک شخص وارد میشود، شخص مذکور مکلف بود که خود بیگناهی و معصومیت خود را ثابت مینمود. مظنون مکلف به اثبات بیگناهی خود بود. در پاره ادوار تاریخی از طریق توسل به اوردالی^(۶) که خود ریشه به اعتقادات دوران بت پرستی داشت ، تحقق می پذیرفت. هیأت بررسی و تحقیق و مخصوصاً قضات باین عقیده بودند که ایزدان به کمک متهم بی گناه خواهد شتافت و چنین متهم را از پروسه (اوردال) رو سفید بیرون خواهد کرد. به طور مثال در ماده (۱۳۲) قانون حمورابی آمده است (هرگاه زن شوهر دار متهم به زنا با مرد اجنبی میشود در حالیکه شوهر او، او را با دیگری همبستر ندیده باشد زن باید برای اثبات بیگناهی خود یک بار به نهر مقدس غوطه ور شود.) اگر از نهر مقدس زنده بر می آمد، بیگناه می بود و اگر به نهر مقدس غرق میشد باین ترتیب مرده او بحیث مجرم و مردار دانسته میشد و میگفتند که روسیاه و مجرم و گنهگار بود.

^۶- اوردال از کلمه Ordeal گرفته شده که به معنی آزمایش سخت میباشد.

در قرون وسطی در بعضی از کشورهای اروپائی هم چنان ایران ، توسل به مقررات سی و سه گانه به نام ورگرم^(yver) یا ورسرد^(aver) موسوم بود. متهمی که موفق به ارایه دلایل کافی بر بیگناهی خود نمی شد ناگزیر به تن دادن به آزمایش های چون گرفتن آهن داغ بدست یا بدن میشد که اگر از حرارت آن آهن داغ نمی سوخت بیگناه تلقی میشد و یا هم در زمستان در آب سرد و یخ زده انداخته میشد اگر از سردی فغان نمی کرد بیگناه دانسته میشد و یا هم (خوردن شیره گیاهان سمی و زهردار که اگر از آن جان سالم بدر میکرد) بیگناه محسوب میشد.

بهر صورت تاریخ بشریت موارد بسیار تأسف آور را در باره اینکه h اثبات بی گناهی بدوش متهم بود به یاد دارد. شکنجه ها در دوران تحقیق و اکراه مادی و معنوی به حدی بالای متهم تطبیق میشد که قلم از ذکر آن عاجز است.

^v - Veracious راست گوئی صادق بودن.

[^] - Veracity صداقت و راست گوئی.

بلاخره در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۷۸۹ فرانسه اصل براءت ذمه منحیث حالت اصلیِ متهم پذیرفته شد و توضیح شد که تمام انسان ها اصلاً بیگناه هستند مادامیکه در پروسه محاکمه عادلانه مسئولیت و مجرمیت شان ثابت نشده باشد اما بعداً که در جنگ جهانی دوم در اکثر کشور های اروپائی نیروهای اشغالگر ، هر شخص کشور مغلوب را بدون هیچ نوع ملحوظ توقیف ، حبس و مجازات مینمودند اکثرأ قضات ، حقوقدانان و وکلای مدافع کشور مغلوب در دست نیرو های اشغالگر قرار گرفتند حبس و مجازات شدند که بعد از ختم جنگ جهانی دوم همین قضات ، وکلای مدافع و حقوقدانان تمام کشور های اروپائی و امریکائی از ۴۸ کشور جهان که در آن زمان افغانستان نیز شامل آن بود با هم جمع شدند و با اصدار اعلامیه جهانی حقوق بشر اصل براءت ذمه را برای مظنونین و متهمین پذیرفتند و آنرا در ماده (۱۱) اعلامیه جهانی حقوق بشر مسجل نمودند.

با به میان آمدن حکومت دموکراتیک خاصاً بعد از جنگ جهانی دوم این حکومت با توجه به وظایف و مکلفیت های خود برای حفظ نظم و آرامش عامه و امنیت و منافع اجتماع ، قوانین و مقررات وضع نمودند تا بلاخره جرم را

یک پدیده اجتماعی اعلام نمودند و از دایره روابط خصوصی خارج و جز حقوق عامه در آوردند و خارنوالی در تحقیق و تعقیب جرم مداخله نموده خصوصیات برخورد بی طرفانه با مجرم ولو اینکه قانون دولت و جامعه را نقض کرده در قوانین مسجل شد و طوریکه در فوق تذکار یافت اصل برائت ذمه پذیرفته شد که این اصل برائت ذمه در قوانین کشور ما هم مسجل شده است این اصل زرین در ماده (۲۶) قانون اساسی سال ۱۳۴۳، در ماده (۲۹) قانون اساسی سال ۱۳۵۵، در ماده (۳۰) اصول اساسی سال ۱۳۵۹، در ماده (۴۱) قانون اساسی سال ۱۳۶۶ و در ماده (۲۵) قانون اساسی سال ۱۳۸۲ کشور ما مسجل میباید.

اصلاً وقتیکه تحقیق در کشور ما به صلاحیت و وظیفه خارنوال قرار گرفت شکل قانونی را به خود گرفت چه خارنوال از یک طرف فرد ملکی است و از طرف دیگر نظارت خانه و توقیف خانه در حیطة صلاحیت خارنوال نه بلکه در صلاحیت افراد نظامی و یا پولیس است که خارنوال شبانه در آن تسلط ندارد. نسبت محدودیت امکانات خویش شبانه نمیتواند تحقیق نماید تا امکانات شکنجه و یا اکراه متهم و مظنون را داشته باشد. هکذا خارنوال خود حقوقدان

و از مسایل حقوق بشر اطلاع کامل دارد و خصم شریف گفته میشود بناً در طول پروسه تحقیق مسایل از شکنجه و اکراه توسط خارنوال چندان گزارش داده نشده است.

اما بر «خارنوال» لازم است که نه تنها اینکه اصل براءت ذمه و حقوق بشری مظنون و متهم را در نظر گیرد بلکه همیشه به عدالت و حقیقت اجراء نماید و آیه مبارکه قرآن کریم را که خداوند (ج) فرموده: «اعدلوا هو أقرب للتقوی»^(۹) در نظر گرفته، به عدالت ابراز نظر نماید. «ولاتابسواالحق بالباطل و تکتموالحق و انتم تعلمون»^(۱۰) حق را به باطل میپوشانید در حالیکه میدانید بلکه همیشه به حق رفتار نماید و مطابق آیه های مبارکه «ومن لم یحکم و بما انزل الله فتواؤنک هم الکفرون»^(۱۱) «ومن لم یحکم بما انزل الله فأولئک هم ظلمون»^(۱۲)

^۹ - سوره المائدہ آیه ۷

^{۱۰} - سوره بقره آیه ۴۱

^{۱۱} - سوره المائدہ آیه ۴۴

^{۱۲} - سوره المائدہ آیه ۴۵

«و من لم يحكم بما انزل الله فاولئك هم الفسقون»^(۱۳) به آنچه خداوند به ما نازل کرده رفتار و حکم نماید وعید سخت خداوند را در نظر داشته باشند از ظلم و حق تلفی پرهیز نمائید .

بزرگتر و عالیتر از هدایت قرآن کریم که کلام خداوند(ج) است کدام هدایت دیگری وجود ندارد خارنوال باید در اجراءات و تصمیم گیری هایش این وعید خداوند (ج) را مشعل راه خویش قرار دهد و با توجه به قوانین موضوعه کشور ما که تخلفات وظیفوی خارنوال در محدوده جرم توصیف شده ، حق را نا حق نساخته و حقیقت و واقعیت را مورد توجه قرار دهند.

اما بر خارنوالان لازم است تا نه تنها از ترس خداوند (ج) و مجازات اخروی و نه تنها از ترس اخطار قانون و مجازات دنیوی بلکه به خاطر مسایل ذیل هم ظلم و جفا نکرده به عدالت تصمیم بگیرند.

۱- بخاطر زجر ، عذاب ، تکلیف ، مصیبت و محنت زن بیوه ای که نان آور خود و اولاد خود را از دست داده و کسی دیگر جز غم به سراغ خانه اش نمی آید در

مقابل حق تلفی ظلم و بی عدالتی سلاحی جز فیر های قطرات اشک چشم و آه پر سوز ندارد و در موقع بی عدالتی با فیر قطرات اشک و ارسال آه به دادگر از خود دفاع مینماید. شبانه در بستر اشک می خوابند و صبح با قطرات اشک بیدار میشوند ، تن شانرا سیل اشک شان بهر سو می برد.

بگذار که چون شمع کنم پیکر خود آب در بستر اشک افتم و نا چار بمیرم

تنم را سیل اشکم آورد به سویت خس و خاشاک سیل آورد من بین

سهل مشمر قطره اشکم را که چون گفته اند قطره قطره جمع گردد و انگهی دریا شود

چه می برسی ز حال دل غمدیده ام چون شد دلم شد خون ، خون شد آب و آب از دیده بیرون شد

۲- بخاطر آن طفل یتیمی که پدرش در جنگ یا انفجار به شهادت رسیده و تشنه محبت عاطفه پدری است کسی نیست که بالایش به محبت دست بکشد. محبت ویتامین تغذی روحی طفل است طفل در حالت کمبود یا نبود محبت به ده ها عقده اجتماعی و امراض روانی مواجه میشود.

۳- به خاطر آرمان و آرزوی آن افسری پائین رتبه و سرباز اردوی ملی، پولیس ملی و امنیت ملی که تا آخرین مرمی خویش به جنگ با دهشت افگنی می پردازد و آخرین مرمی خود را به دشمن فیر مینماید و میگوید که این آخرین مرمی، دولت ما او را در جبهه از لحاظ مهمات اکمال نمیتواند با خلاص شدن مرمی اش زنده به دست دهشت گر می افتند و بلاخره ذبح میشود و با همه آرمان های زنده گی اش که هنوز (آهسته برو) خویش را نشنیده است از دنیا می رود و همه آرمان های خود را با خود بخاک میبرد ستم زمانه از ان بیشتر نمیتواند. فراموشی به داد ورثه اش نمیرسد که این موضوع را از یاد اطفال یتیم ری ببرد.

ای فراموشی کجائی تا به فریادم رسی باز سودای دل غم پرورم آمد به یاد به خاطر خدا^(ج) و پیغمبر^(ص) قانون افغانستان و آرمان های بیوه ها، شهدا و یتیمان به حق، عدالت و واقعیت تصمیم بگیرید و از آه مظلومان که بسیار زود به دادگر میرسد حذر نمائید.

مولانای بلخ گفته است :

بترس از آه مظلومان که هنگام دعا کردن اجابت از جانب حق بهر استقبال می آید

و یا صائب صاحب گفته است :

به آهی خیمه افلاک را بر هم زدم صائب ز یک دل آنچه می آید ز صد لشکر نمی آید

اثر آه من از سینه افلاک بجو گرد این تیر سبک رو ز نشان بر خیزد

و یا حافظ صاحب گفته است :

تیر آه ما ز گردون بگذرد حافظ خموش - رحم کن بر جان خود پرهیز کن از تیر ما

و یا علامه اقبال گفته است :

برون زین گنبد در بسته پیدا کردم ام راهی - کز اندیشه برتر میرود آه سحر گاهی

و یا پروین اعتصامی گفته است :

بترس از تیر آه ما که چون شد گرم نالیدن دل دیوانه ما دوست از دشمن نمیداند

اما خارنوال که مدافع اجتماع و مدافع دولت ، مدافع مجنی علیه و مظلوم است خودش نیز در خطر تجاوز زورمندان و ظالمان و دهشت گران قرار دارد آن زورمندان و ظالمانی که از اجراءات عادلانه و قانونی خارنوال مجازات و ضرر دیده اند حتی هم پیمانان و اعضای باند شان در صدد آزار ، اذیت خارنوال و ضربه به خارنوال و اعضای فامیل وی اند بناً خود خارنوال بیشتر از دیگران به دفاع و حمایت نیاز دارد. چه بسا خارنوالانی که به اثر اجراءات عادلانه ، صادقانه و بی طرفانه شان خشم ظالمان و زورمندان به شور آمده و مورد تجاوز ظالمانه شان قرار گرفته و جام شهادت نوشیده اند. روح شان شادباد. اما اداره لوی خارنوالی در حالیکه امکانات مساعدت مالی و یا معنوی را به فامیل این شهدای راه عدالت و قانونیت دارد، ناجوانمردانه از کمک و مساعدت به آنها خود داری می نماید. اما خارنوال یگانه وظیفه ندارد که تنها تأمین عدالت جنائی باشد. خارنوال باید در تصویب و انفاذ قانون عادلانه و دموکراتیک به مقنن کشورما طرح ها و پیشنهادات ارایه نماید و اداره خارنوالی بعضاً خود قانون را مسوده و جهت طی مراحل به حکومت و ارگان تقنینی کشور تقدیم نماید. خارنوال مکلف است عوامل جرمی را تشخیص و جهت رفع این عوامل

جرم زا و وقایه جامعه از حدوث جرم به حکومت نظریات سودمند ارایه دارد. هکذا خارنوال باید عامل باز دارنده از جرم را از لابلای تحقیقات و اجراءات خویش دریافت و آنرا به حکومت تقدیم و از طریق مطبوعات ، میتنگ ها کنفرانس ها و سیمینار ها به مردم تبلیغ نماید که متأسفانه کار خارنوال و خارنوالی در این عرصه ها بسیار کم رنگ است.

اگر به کار جهان من نیامدم صائب کلام بی غرض من بکار می آید

آثار دیگر مؤلف:

۱. نفوذ رویه قضائی در قوانین افغانستان
 ۲. قانون وحالات رجعت آن به ما قبل
 ۳. جرم - اهدأ به څارنوالان جوان
 ۴. بیانید عطوفت و شفقت را جانشین خشونت نمایم
 ۵. څارنوال و کیل مدافع در دعوی جزائی
 ۶. استماع شهادت در دعوی جزائی
 ۷. توقیف و جبران خساره توقیف شده بیگناه
 ۸. فساد اداری و نحوه مبارزه علیه آن
 ۹. ازدواج اجباری
 ۱۰. محبس محل ندامت و تجدید تربیت
- و ده ها مقاله تحقیقی حقوقی در مجله های څارنوال، عدالت، قانونیت و کابل بانک.